

قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

از کان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

مطبوعات، آزادی، استبداد

مطبوعات برای آن که به آزادی خدمت کنند، با یدنخست خود را از دبا شدن، هنگامی که آزادی سخن می گوئیم، منظور همواره آزادی در چهار چوب قانون است. آزادی، بدون چهار چوب قانونی درخور، نمیی تواند ندکا رویزه خود را انجام دهد و به هر چه و مرج می گراید، همچنان که قانون، بدون آزادی گرایش به سوی استبداد خواهد داشت.

... اما اگر از من بپرسید که انسان آزادی را برای چه می خواهد، من پاسخی ندارم به شما بدهم. زیرا انسان برخی چیزها را فقط به خاطر نفس آن می خواهد. آزادی هوا نیست که انسان نتواند بدون آن زندگی کند، خوراک و پوشاک نیست که در نبود آن ادامه حیات برایش ممکن نباشد. سده های بسیار انسانها در شرایط استبدادی زیسته اند، هنوز هم می زیند و شاید از این پس نیز حکومت های استبدادی گهگاه پدیدار شوند. آزادی موهبتی است که انسان نخست با یدر طلب آن بگوشد تا خود را شایسته آن نشان دهد.

بقیه در صفحه ۲

رژیم را به هلاکت خواهد رساند و مناطق حساسی را که در آن نفوذ دارند منجر خواهد شد. در این اعلامیه ها از ۸۴ نفر از جمله هاشمی رفسنجانی، مشکینی، محمدی ری شهری و میرحسین موسوی نام برده شده است. در تهران گفته می شود که نفجا مرکز مهمات سپاه پاسداران در سلطنت آباد، نفجا در میدان ونک و نفجا در دریا دگان با غشاه که خیرا رخ داد، از سوی طرفداران مهدی ها شمی انجام گرفته است.

بقیه در صفحه ۱۱

حسینعلی مشکان

بازی عجیب قرن!

اکثریت ما ایرانی ها عیبمان اینست که هنوز دنیای نیمه دوم قرن بیستم را به درستی نشناخته ایم و متوجه نیستیم بعد از دو جنگ بزرگ بین المللی چه قدر دنیایا عوض شده است. حتی سیاستمداران ما هم هنوز با همان معیارهای قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مسائل جهانی را ارزیابی میکنند. در حالی که ما با زیبا عوض شده است و هر روش های با زی. بقیه در صفحه ۱۲

هوشنگ وزیر نویسنده، مترجم، روزنامه نگار و مفسر، روز پنجشنبه دوم بهمن ماه در جلسه بی بدعوت هیأت اجرایی موقت نهضت مقاومت ملی ایران، با حضور گروهی از اعضای نهضت درباریس، به بررسی نقش مطبوعات در رژیم های استبدادی و دموکراتیک پرداخت و سپس به پرسش های شرکت کنندگان پاسخ داد. توجه خوانندگان را به متن خلاصه شده این سخنرانی جلب می کنیم.

نقش اعلامیه های ضد جنگ

در آسمان تهران

هسته های مقاومت وابسته به نهضت مقاومت ملی ایران - بعنوان ابراز مخالفت با ادامه جنگ - صبح روز پنجشنبه دوم بهمن ماه جاری با کفن بزرگی حاوی ده ها هزار برگ اعلامیه ضد جنگ و ضد رژیم و شعارهای "ایران هرگز نخواهد مرد" همراه با عکس های دکتر شاپوری و بختیار، در آسمان تهران به حرکت درآمد و در حدود دویست و سیصد نفر از و درباریان، آبرای سیستم فرمان از راه دور، منفجر کردند. پس از فرو ریختن و پخش اعلامیه ها و شعارها و عکس ها، ما موران کمیته محمل و کمیته های مناطق مجاور برای جمع آوری آنها و تحقیق در باره چگونگی امر بسوی محله های مورد نظر شتافتند ولی قبل از رسیدن آنان تعداد زیادی از کسانیکه اعلامیه ها و عکس ها بدستشان افتاده بود، از محل دور شده بودند و ما موران تنها موفق به جمع آوری محدودی از اعلامیه ها و عکس ها شدیم.

شب نامه

بر اساس گزارش های رسیده طرف هفته گذشته ز سوی طرفداران مهدی ها شمی، اعلامیه و شب نامه های در تهران و قم و اصفهان پخش شده است. طرفداران مهدی ها شمی در این اعلامیه ها تهدید کرده اند در صورتی که مهدی ها شمی و همکاران او تا یک ماه از دانشوند عده زیادی از سران

بقیه در صفحه ۱۱

حسینعلی مشکان

چون جنگ

و مدام عراق قیما که حتی یک مسلسل ضد هوا بی هم بسوی آنها شلیک نمی شد، عاقبت درها را به روی مردم وحشت زده کشودند. اما کارمندان دولت همچنان زمین گیرا بین شهرستند و خروج از شهر بمنزله ترک خدمت و اخراج آنها تلقی خواهد شد. مردم فقیری چیزی که در هیچ کجا و مکانی ندارند، طبیعتا نتوانسته اند شهر را ترک کنند و همه روزه همدان هوا بیما ها بی هستند که در ارتفاع بسیار یا بین پرواز می کنند. یک کیمی از کرمانشا هی های او ره، نیمه شوخی نیمه جدی می گفت: "حتی می توانیم تشخیص بدهیم که خلبان سبیل دارد یا بی سبیل است."

بقیه در صفحه ۲

گزارش ایران

در حالیکه جنگ در دو جبهه میانی و جنوب تلغات بیرون از حد و حساب داشته است، هوا بیما های عراقی در روندتازیهی از "جنگ شهرها"، بطور منظم و مرکب از شهرهای ایران را با بمبها و راکت ها می کوبند. اصفهان، کرمانشا، تبریز، دزفول، کجساران، مسجد سلیمان، همدان، خرمآباد و دوما لآخره تمام ج بلادفا بمبها و موشکهای دوازده متری روسی عراقیها هستند. کرمانشا تقریبا از سکنه خالی شده است. هزاران هزار کرمانشا هی که از شهر دوما ر خودا و ره شده اند، در شهرهای شمالی در جستجوی جا و سرینا هاند. پاسداران رژیم که تا هفته پیش مردم را از خروج از شهر مانع می شدند و در ابر آنها بسته بودند، در بی حملات بیوقفه

جنگ بی امان قدرت

قدرت بین گروه های مختلف تا زگی ندارد. اما این نبرد زیرزمینی و مخفی که از سالها پیش ما ننداشتیم زیرا که کمتر پنهان بود، بدنبال افشای مسافرت مک فارلین به ایران از سوی جناح منتظری در استانه هشتمین سالگرد انقلاب اسلامی به برخوردی علنی تبدیل شده است. هدف اصلی همچنان جانشینی خمینی است. اما جنگ با عراق نیز در این میان نقش خود را دارد. مسئله جنگ مسئله جانشینی خمینی در آینده رژیم ایران اثری تعیین کننده دارند.

ما هنام "عربی" سپس در باره ها شمی رفسنجانی می نویسد: معروف است که ها شمی رفسنجانی برای کسب و انحصار قدرت از هیچ کاری روی گردان نیست. قبل از انقلاب اسلامی، رفسنجانی خرابی و فروش زمین و زمین بازی میکرد. زمینهای او در محله سا لاریه قم معروف است. رقیبان رفسنجانی میگویند، و به دین و مذهب چندانی پای بند نیست. به گفته آنان ثروت وی از معاملات زمین بهنگام سقوط رژیم شاه به ۵۰ میلیون تومان میرسید.

بقیه در صفحه ۱۰

چهره يك

کنفرانس

به گزارش خبرگزاری فرانسه، ۴۸ تن از رهبران و وزیران جهان مسلمان روز دوشنبه ۲۶ ژانویه در کنفرانس اسلامی که در کویت برگزار می شود شرکت جسته اند. ایران، این بار نیز، مانند دویست سال گذشته، با شرکت نکردن در این کنفرانس در تحریم آن می کوشد و دلیل این تصمیم را حمایت کویت کشور میزبان و دیگر کشورهای سنی مذهب و طرفدار غرب از عراق اعلام کرده است. در هفته پیش از آغاز کنفرانس، رژیم تهران با دست زدن به یک حمله شدید در جنوب عراق و در ۱۵ کیلومتری کویت

بقیه در صفحه ۱۱

ما هنام "عربی"، چاپ پاریس در گزارشی در باره جنگ قدرت بین رفسنجانی و منتظری برای جانشینی خمینی می نویسد: در تهران رویا رویی برای بدست آوردن

سرزهای تازه

در منطقه خاور نزدیک و میان خط وسط اصلی تغییراتی مهم در چشم انداز قرار گرفته است. این تغییرات بیش از همه حکومت های لیبی، سوریه، جمهوری اسلامی افغانستان را نگران موجودیت خویش ساخته است.

در این میان حکومت های سوریه و افغانستان بیشترین بخت را دارند که جان سالم بدر ببرند، به عبارت درستتر، حافظ اسد و نجیب اله، کوشش و انعطاف بیشتری می نمایند بلکه خود را با تغییراتی که در پیش است، سازگار کنند. سوای این، دودولت نامبرده عملا، یکی بیشتر و دیگری کمتر، در زیر چتر حمایت شوروی قرار دارند. البته سوریه خواهد توانست بدون این چتر، گلیم خود را از آب بیرون بکشد، حال آنکه رژیم افغانستان نمی تواند.

بقیه در صفحه ۴

جنگ تمام عیار

در صفحه ۱۱

بقیه در صفحه ۱۱

جنون جنگ

بقیه از صفحه ۱

حق از بمبارانهای دوسال قبل نیز موحش تر و مخرب تر بوده است. خسارت های بمبارانهای دوسال قبل کرمانشاه را بالای یک میلیارد تومان برآورد کرده بودند. در نتیجه میتوان میزبان ویرانیها و تلفات بمبارانهای اخیر را با همین مقیاس سنجید. شهر تقریباً "متروکه" و مرده است. شهر خاموش است. اما مردم اصغهان، شهری که اصغهانها با همه "نصف جهان" بودن آن می نازیدند، با بهت و ناآرامی ناظر بر این آفت هستند. طی حمله های شبانه تعدادی از بناهای تاریخی که دیگر هرگز در دنیا نظیر آنها را نخواهد دید ویران شده یا صدمه دیده اند. عراقی ها که دعا میکنند اصغهان را به تلافی بمباران شهرهایشان می گویند، تقریباً "هر شبه در آسمان شهر دربروای زند. بیشتر بمب ها به بالای زمین و محلات فقیرنشین اصابت کرده است. هنگامی که یکی از بمب ها در چهار سو ق افتاد چندین باب مغازه و خانه را ویران کرد. از جمله یک جواهر فروشی نیز مورد اصابت قرار گرفت. حزب اللهی ها بی که برای امداد آمده بودند، جواهرات را به غارت بردند و سپس دکان را با بولدوزر درهم کوبیدند و صاف کردند. این امانت داری سبب اعتراض کسبه شهر و اعتصاب منسجم زرگری های اصغهان گردید. طی همین بمباران بود که مردم متوحش شعایرهای ضد رژیم و ضد خمینی و ضد جنگ سرد اند. شهر اکنون در واقع نیمه تعطیل و بسیار متشنج است. از یک سو وسعت خرابی ها و از سوی دیگر بالا بودن ارقام تلفات و مجروحین که بر رویهم بالای ۲۵۰۰ نفر است، مردم را از شهر فراری داده است. مدارس تعطیل شده و جلوی پمپ بنزین ها صف های طولیل چند کیلومتری بسته شده است. اتوموبیل های که شهر را ترک می کنند تقریباً "هر سه خط شانس همراه خروجی شهر را اشغال کرده اند و حرکت به کنده ای واک بشت و صورت می گیرد.

بزرگ زخمی ها

در کنار بمبارانها و وحش عمومی، مسئله اساسی که در حال حاضر رژیم با آن بطور جدی دست به گریبان است، کمبود پزشک و دارو و تکنیسین و امکانات امدادی است. طی هفته های گذشته میشود که نزدیک به ۵۰۰ پزشک به زور تهدید به جبهه ها گسیل شده اند. در همین حال هلال احمر (شیر و خورشید سرخ) از همه کسانی که بپنجمی با امداد پزشکی آشنایی دارند تقاضا کرده است که به کمک مجروحین در جبهه ها بشتابند. تعداد مجروحین بقدری بالاست که گاه مجروحین روزها منتظر تویت روی دست می ماندند تا به اتاق عمل برده شوند و اغلباً "پیش از آنکه نوبتشان برسد می میرند. هم اکنون ۱۵۰۰ مجروح جنگ سوما که در بیمارستان ظالقانی کرمانشاه جا داده شده اند، بدون پزشک و امکانات جراحی و امدادی منتظر مرگ نشسته اند. دویست تن از مجروحینی را که به تهران حمل کرده بودندند سونو بیما رستان های شهرهای خالی نداشت، دوباره با هواپیما به کرمانشاه پس فرستادند و تعدادی از آنها در این فاصله از زمین رفتند. تعداد بالای مجروحین، رژیم را ناگزیر با خسته کبک و اجد مستقر به نام تخلیه و امداد مجروحین ایجا دکنند که کار آنها حمل مجروح به تهران و یافتن تخت خالی برای آنها و انجام مراقبتهای جزئی پزشکی است. به گفته یکی از افراد این واحد طی هفته های اخیر وسیله ۶۵ فروند هواپیما ی سی ۱۳۰ که هر یک با ۴۰۰ نفر جراحان دارد، مجروح به تهران حمل شده است. با این حساب می توان گفت که حدود ۲۵۰۰۰ مجروح حاصل دونهای جم شلمچه و سوما بوده است. تلفات تنها جم سوما ر بسیار بالا برآورده است. یکی از دلایل توقف جنگ در این نقطه نیز بالا بودن میزان تلفات و مجروحین قلمداد شده است. دلیل آن کوتاه می در پیش بینی امکانات امدادی و پزشکی گزارش گردیده است. تا زه پسا از آنها جم رژیم به فکر افتاده است که پزشکان را با تهدید و رعبا به بیما رستان های پشت جبهه بکشاند. میزان بالای تلفات و مجروحین در شلمچه نیز عملاً موجب توقف جنگ شده است. پیروزی و پیشرفت جزئی که در این

مطبوعات، آزادی، استبداد

بقیه از صفحه ۱

... همان گونه که گفتیم فقط آزادی سیاسی در خورا احترام است که در چهار چوب قانون محدود باشد. اما هر مرجع دیگری جز قانون مدون یا متعارف نخواهد آزادیها را محدود کند، تنها به منظور برپا کردن حکومت استبدادی است. بدستورین محدودیتها آن است که به وسیله حکومتها خودکامها اعمال شود. خودکامها در واقع با آزادی مخالف نیستند، بلکه موافق هم هستند. منتها فقط با آزادی خودشان، نه با آزادی دیگران. رژیم ولایت فقیه که امروز بر ایران حکم می راند، درست چنین است. رهبران رژیم خود را از هر چهار چوب قانونی آزادی می دانند. حال آنکه آزادی گهگاه حتی برای کارگزاران رژیم چون نمایندگان مجلس یا اعضای شورای نگهبان وجود ندارد. هر چند که در قانون اساسی خود رژیم نیز پیشبینی شده باشد.

حکومتها ی خودکامهای که آزادیها را محدود می کنند، انواع گوناگون دارند. سنگینترین آنها حکومتها ی هستند که به نام یک ایدئولوژی - چه دینی و چه شبه دینی - حکومت می کنند. رویکردی که ایدئولوژی به واقعیت دارد، با رویکردی که می توانیم آن را آزادمنشانه بخوانیم از حیث ماهوی متفاوت است و با آن تضاد دارد. در رویکرد ایدئولوژیک، انسان قالب نظری از پیش برداخته ای دارد؛ هر واقعیتی که در آن قالب گنجد می پذیرد، اما اگر آن را به گونه ای مثله می کند که در قالب نظری جا بگیرد. حاضر نیست نظریه را به خاطر واقعیت کناری بگذارد و یا تغییر دهد. در عوض در رویکرد آزادمنشانه نیز اگر چه از داشتن نظریه ای گریزی نیست، ولی اگر در حین پژوهش واقعیت ها بی پیدا شد که با آن نظریه جور در نیامد، واقعیت کنا رگذاشته نمی شود، نظریه کنا رگذاشته با واقعیت سازگار گردد.

نقطه به دست آمده، به بهای جان هزاران نفر آمده است. معلول و مجروح شدن هزاران تن دیگر. این واقعیت، گذشته از آنچه عکس های ماهواره ای نشان می دهد، از سخنان اخیر رهبری و شمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران نیز استنباط میشود. اگر چه رفسنجانی گفت که: "در کنار برصیر با بد با عراق تسویه حساب کنیم"، اما این نکته را نیز تا "کید کرد که: "سروشست جنگ در همین جا رقم می خورد." بهر حال، همچنانکه پیش بینی کرده بودیم، تنها جم کربلای ۵ چند روزی پس از کربلای ۴ صورت گرفت که بنوبه خود حمله ای نا موفقی بود. عراقی ها که به غلط پیش بینی کرده بودند ایرانی ها نقطه آژموده را دوباره نخواهند آزمود، وقتی از همان نقطه مورد هجوم ایرانی ها قرار گرفتند عملاً غافلگیر شدند. اطلاعاتی که به دست ما رسیده حکایت از آن دارد که فرماندهان ایرانی امیدوار بودند عراقیها این اشتباه را مرتکب شوند که نیروهای ذخیره خود را در حول و حوش فا و به حوالی بصره

دادگاه های مذهبی که او را به خاطر اظهار نظریه "گردش زمین محکم می کرد، از "گناه" خود عذرخواست، گردش زمین را منکر شد، ولی در همان حال با پرزمین کوبید و گفت: با اینهمه تومی چرخ می... استبداد ایدئولوژیک تنها به زندگی عمومی ما کار ندارد، بلکه می کوشد در خصوصی ترین زاویه های زندگی انسانها نیز نفوذ و آن را کنترل کند. آیت الله خمینی در کتاب "کشف الاسرار" گفته است که دین اسلام راجع به خصوصی ترین مسائل زندگی آدمها حرف دارد و در آن مداخله می کند. این، ما دام که دین عامل حکومت نباشد، موجب پیدایش استبداد نمی شود، ولی هنگامی که حکومت را بدست گرفت، پایه های حکومتی استبدادی را می نهد.

... من اکنون در این باره بحث نمی کنم که رژیم کنونی ایران توتالیتر است یا نیست. به دیده من این رژیم توتالیتر نیست، با اینهمه گرایشهای توتالیتر شدن در آن بروشنی دیده می شود؛ از جمله بدین سبب که کارگزارانی دارد که می کوشند جا معرا از حیث ایدئولوژیک کنترل کنند. این کارگزاران، بسته به مورد، مسئولان دایره های عقیدتی - سیاسی، راهنمایان آموزشی، انجمنهای اسلامی، ائمه جمعه و غیره نام دارند، و این سوی سیستم جاسوسی و خبرچینسی است که رژیم می خواهد به وسیله آن حتی خانواده ها را از درون زیر نظر داشته باشد.

طبعاً "مطبوعات از این نظارت نمی تواند بگریزد. تصادفی نبود که نخستین قانونی که پس از بقدرت رسیدن رژیم اسلامی در شورای انقلاب به تصویب رسید، قانون مطبوعات بود. و تصادفی نیست که دومین سه بزرگ مطبوعات کشور - مؤسسه کیهان و مؤسسه اطلاعات - زیر نظر مستقیم ولایت فقیه قرار گرفته اند.

... در رژیم های استبدادی آنچه را ما "افکار عمومی" می نامیم نمی تواند شکل بگیرد، زیرا افکار عمومی برای آن که

بیاورند تا در آن حال ایرانی ها بتوانند حمله دیگری را نیز همزمان از فضا آغاز کنند. اما این تفاهت نیست. در بخش سوم نیز میزما سیه فرماندهان ایرانی به واقعیت نیبوست. عراقی ها نیروهایشان را که در فک متمرکز کرده اند جا بجا نگردند. در نتیجه جنگ در واقع با محاسبات ایرانی ها جور در نیامد. یکی از دلایل توقف جنگ نیز ناشی از همین است. با اینهمه زمزمه های در موردیک تهاجم سوم شنیده میشود، پیش بینی میشود که این حمله احتمالاً از منطقه فکه باشد.

بیانکد بمباران قم

با آنکه عراقی ها طی روزهای اخیر خیراز بمباران شهر قم میدادند، اما تا زه روزین جشنه بود که رژیم مقرر آمد و خبر از تلفات و مجروح شدن تعدادی از اهالی شهر داد. علت آن بود که قصد داشت از روز سوگوا ری فاطمه زهرا بهره تبلیغاتی ببرد و در نتیجه خبرهای بمباران قم را تا آن روزگمان میگرد.

موجودیت خود را اثبات کند، به واسطی برای بیان خود دنیا زدا رد که مطبوعات اعم از دیداری یا شنیداری جزو آن هستند. حرف این که اکثریت مردم ما مع چیزی را نخواهند خواند استند، افکار عمومی را بوجود نمی آورد. موجودیت افکار عمومی به این است که در سیاست های دولت تا شیر بگذارد. اما در ایران امروز چند درصد از خواهستهای اساسی مردم - مخالفت با جنگ، نیاز آزادی پوشاک، نیاز به آزادی دزدانگی خصوصی و غیره - در سیاست دولت باز می تابد؟ تقریباً هیچ.

حکومتها ی استبدادی همواره مطبوعات آزاد را، که در عین حال وسیله بیان افکار عمومی نیز هستند، مزارح می دانند. حتی در دموکراسیها، حکومتها معمولاً دیدمبشتی نسبت به مطبوعات ندارند. ولی از مطبوعات، چه بسرای مبارزه با دیکتاتوری و چه برای صیانت مبانای دموکراسی، گزیری نیست.

حکومتها ی خودکامها از جمله دلایلی که برای محدودیت مطبوعات می آورند این است که نخست مطبوعات باید سالم باشند و سبب آزادی، این تقریباً "بدان می ماند که بگویند انسان نخست باید گواهی بپیدا شتی حاکمان زنتدرستی خود بگیرد و سپس از آزادی بهره مندگردد. ولی همان گونه که انسان آزادی به معنای انسان سالم نیست، مطبوعات آزاد نیز نباید با مطبوعات سالم یکی نگاشته شود.

در ایران فردا فقط مطبوعات آزادی - توانند نقش خود را در نگارنده دموکراسی ایفا کنند. به هیچ وجه تصادفی نبود که آیت الله خمینی فرمان استبداد خود را با این جمله ماز کرد که: "بشکنید این قلمهای فاسد را!" همه استبدادها نخست با شکستن قلمها شروع می شود. ولی با قلم می توان به جنگ استبداد رفت، با قلم می توان از آزادی دفاع کرد.

جمهوری اسلامی

گزارش‌های ایران

از گروه‌های اطلاعاتی نهضت مقاومت ملی ایران

گزارش محرمانه

از سیستان و بلوچستان

روژیم حرف

در حالیکه رژیم بوق و کرنا به دست میباید که بهای نفت در هر بشکه را از طریق سیاست کاهش سهمیه‌های صادراتی کشورهای اوپک به هیجده دلار رسانده، یک کارشناس نفتی که سالها در جزیره خارک خدمت کرده وضعیت استخراج و صدور نفت کشسور را اسفبارتعبیر می کند. به گفته این کارشناس هواپیماهای عراقی نه تنها به طولای خود را تا جزیره سیری رسانده اند، بلکه خارک را نیز تقریباً "روزانه هدف حملات خود را رند تا جلوی زسازی و ترمیم اسکله‌های ویران شده را بگیرند، نفتی که خارک صادر میشود، فقط از یک اسکله و به مقدار اندکی است. کشتی‌های کوچکی از این جزیره نفت را با رگیری میکنند و وسط دریا تحویل کشتی‌های بزرگتر میدهند تا به جزیره سیری حمل کنند که در آنجا کشتی‌های غول پیکر نفتکش منتظرند تا محموله‌های نفت به چنگ آمده را به بازاریهای بین المللی برسانند. گرچه این محموله‌ها برای مردم ایران مفید به چنگ نیامده است. به گفته این کارشناس مقدار صدور نفت ایران چیزی دوحده هفتاد هفتصد هزار بشکه در روز است. همین مقام با یک حساب سرانگشتی میگوید که استخراج و حمل این نفت آن هم در مراحل جنین دشوار و در مناطق جنگی که همواره خطر حمله‌های هوایی را در پیش دارد، نه تنها سودآور نیست، بلکه گران تر از قیمت تمام شده آن برای مردم ایران آب میخورد. بخصوص اگر هزینه بیمه جنگی را نیز به حساب آوریم و صدمات و غرق شدن کشتی‌ها در اثر حملات هوایی را نیز برآنها بیفزاییم عملاً چیزی برای جمهوری اسلامی باقی نمی ماند. به گفته‌های کارشناس هواپیماهای عراقی تقریباً تمامی تلمبه‌خانه‌های بین راه را بمباران کرده اند، گاز عملاً تولید نمی شود. جاها از کار افتاده اند. هواپیماهای عراقی در دسته‌های ۵ تا ۱۰ کلا "پتروشیمی ما هشتاد که با هزینه ۴ میلیون دلار و به کمک ژاپنی‌ها ۹۵ درصد آن احداث شده بود ویران کرده اند. پتروشیمی خارک که در اولین سال تاسیس خود با داشتن ۱۲ میلیون دلار سرمایه، نزدیک به ۳۰ میلیون دلار سود داشته اکنون حتی قادر نیست حقوق کارمندان را پرداخت کند و شرکای امریکایی آن به دادگاه‌های ادعای ۲۰۰ میلیون دلار خسارت و زیان برده اند که حساب منجمد شده ایران دریاقت خواهد داشت.

در چنین موقعیت تیره و تاریکی که برای صنعت نفت پیش آمده است، هیچگونه تبلیغاتی رژیم در مورد نتایج آخربین اجلاس اوپک هم مسخره آمیز و هم تافه است. رژیم می‌خواهد هم از نظر و هم از نظر عملی دیگر تا در به صدور نفت به میزان

سهمیه‌هایی که به عنوان یکی از کشورهای عضو اوپک برای تعیین کرده اند نیست و ناگزیر است نفت ما در اتی خود را که یک سوم مقدار تعیین شده است مرحله به مرحله با رگیری کند و از میدان‌های خطر بگذرد و در منطقه‌هایی نه چندان امن تحویل خریداران خود بدهد. با حرارتی جنون آمیز خواهان کاهش سهمیه‌ها برای افزایش بهای نفت میشود. با آنکه حتی امروزه بهای نفت به هیجده دلار در هر بشکه رسیده، اما چنان هزینه استخراج و حمل نفت برای رژیم بالاست که سود چندان عاید ایران نمی شود. رژیم با اتکاء به اخبار دروغ و رجزخوانی‌های بی پایه کوشید تا تصمیمات آخربین اجلاس اوپک را به حساب خود بگذارد و از این باب برای خود تبلیغات کند. اگر چه همه این تبلیغات برای مصرف داخلی صورت می گیرد و به قصد تحمیق مردم نا آگاه و بی اطلاع است. عمل رژیم و مسئولان تبلیغاتی به آن میماند که شخصی دربار از رفر و روان بر سرپالان الاغش بیشترین چانه‌ها را بزند، در حالیکه رندان الاغ را زده و بده و با خود برده اند. بودجه سال ۶۶ که چند روز پیش میر حسین موسوی، نخست وزیر، به مجلس شورای اسلامی داد، نماینده وضع رقت بار صدور نفت است. دولت خمینی که دیگر تا در به فروش نفت نیست و در نتیجه عملاً "زناهمین در آمد برای هزینه جنگ عاجز است، بار تمام می درآمدهای بودجه سال آتی را بر دوش مالیات دهندگان بیچاره کمرشان در زیر فشار تورم و گرانی شکسته است گذاشته. در تاسیس مین درآمدهای بودجه ۶۶، سهم نفت به ۳۰ درصد کاهش یافته و در عوض مالیات مستقیم تا ۵۰ درصد افزایش یافته است. با ید این نکته را متذکر بود که همواره، تا موقعی که دولت میتوانست نفت ما در کند، تقریباً ۸۵ تا ۹۰ درصد درآمدهای دولت را ما در ات نفت تاسیس مین می کرد و وقتی ۵۰ درصد درآمدهای دولت ناگزیر بید از طریق مالیات تاسیس مین شود، معنیش آنست که دولت تمام می سنگینی بار را روی دوش مردم حقوق بگیر، اعمال زکا رگس و کارمند، کسبه، مشاغل جز و غیره خواهد گذاشت. به موازات آن، تمام خدماتی که دولت موظف است به مردم ارائه دهد، خدماتی نظیر آب و برق و تلفن و غیره بطور سراسر آموری افزایش خواهد یافت. در واقع مدت‌هاست که تصمیمات دولت به قصد این دست آن دست کردن و گذران روز و ماه و سال است تا فرجی حاصل شود و اتفاق معجزه آمیز و غیر منتظره رژیم را از این بن بست نجات دهد. مثل روز آسکار است که این واقعه میتواند مرگ خمینی، کشایشی در کار جنگ، یا تحولی غیر منتظره در کل منطقه باشد. مناسبتی بقیه در صفحه ۱۰

برنا ما ز پیش ضبط شده‌هایی که تلویزیون زا هدا ن صبح روز نوزدهم دیماه زموسوی نظر محمد دیدگاه، نماینده مردم پرا نشهر در مجلس شورای اسلام، که فعلاً زندانی است، پیش کرده هیچ شفا و تنی با برنامه‌های نوع خودش نداشته. مثل تمام این نوع برنا ماها، سخنان مولوی نظر محمد دیدگاه نیز که ز روحانیون سرشناس اهل سنت استان ستمدیده سیستان و بلوچستان است، مشابه دیگر برنا ماها به زور تهدید و اراغاب و فشارهای روانی و جسمی طاقت فرسا گرفته شده است. این برنامه‌ها که آنها را عادتاً "روزه اعترافات" نامیده‌اند تا به آن این مفهوم را بدهند که گویا با تمایل قلبی خودش فراموش شده، تاکنون به قصد تلقین و تبلیغ شکست ناپذیری و الهی بودن رژیم خمینی بوده است، اما تعداد این اعترافات بقدری افزایش یافته است که هم به اصطلاح ریش در آمده و هم دیگر تا "شیر چندان برتما تا گرش ندارد. اگر چه ممکن است برخی از این "اعترافات" در ابتدا مؤثر بوده باشد، اما کاملاً به دلایل دیگری بوده که ربطی به ادعای جمهوری اسلامی ندارد. از جمله این "اعترافات" تمایش‌های تلویزیونی سران حزب توده را با ید نام برد. از آنجا که سردمداران پیروان خود را به داشتن روحیه‌های پیولادین میستوندند و استقامت و یداری آنها را در برابر فشار و شکنجه‌ها عملی قهرمانی جلوه می دادند، چون خودشان نتوانسته بودند در برابر این فشارها مقاومت کنند و روحیه‌شان را با خند، از چشم مردم افتادند و مورد تمسخر و استهزا قرار گرفتند. در نتیجه کسانی نظیر مولوی نظر محمد که در این زمینه‌ها عیبی نداشته اند، تن در دادنشان به "اعترافات" عملی به مقوله "صیانت ذات و یرای رهایی از فشار روانی و جسمی که در رژیم خمینی فی سبیل اله در حق همه مخالفان به کار می رود، تلقی می شود.

تا زه ترین مورد از این نوع، "اعترافات" مولوی نظر محمد است و طبعاً "آخربین آن نیز نخواهد بود. دیگر مدتهاست که مردم پرا ن متوجه شده اند رژیم خمینی می کوشد تا تمامی مسائل و مشکلات را به شیوه بی‌حاصل کند که خاص خود این رژیم است و در آن کمترین رحم و شفقت و دوراندیشی و بصیرت راه ندارد. این شیوه به کار بردن زور است. حماقت و سماجت در به کار بردن شیوه زور است، آنجا که اعمال رژیم به آن میبندند که بخواد تیر آهنی را ز سوراخ بوزنی بگذرانند. مردم سیستان و بلوچستان که از محرومترین و ستمدیده‌ترین مردم نقاط کشور ما هستند به این نکته خوب آگاهی دارند. به نظرمی رسد که حتی در دستگاه دولتی جمهوری اسلامی هم آگاهی به این حقیقت با لاف پیاده شده باشد. اما شیوه‌هایی که یک رژیم به کار میبرد چنان با طبیعت آن هماهنگی دارد که به دشواری میتوان از جمهوری اسلامی توقع رحیم و بصیرت داشت. بهر حال، یک سده بسیار مهم و با اهمیت که در بخش پژوهش نخست وزیر تهیه شده و بطور محرمانه برای مقامات سطح بالای جمهوری اسلامی فرستاده شده است و نسخه‌هایی از آن در اختیار مسئولان می ده که حتی بطور پراکنده و سطحی هم که شده باشد، وضع رقت بار استان سیستان و بلوچستان در آن منعکس گردیده. ما در اینجا بخشهایی از اعترافات ما در آنه سرپرست دفتر برنا مریزی و بودجه را از این تحقیق استنساخ می کنیم تا به حق باقی که در استان سیستان و بلوچستان حاکم است بی ببرید و در بید رژیم چگونه کمک زور قصد داردا توانی ههای خود را بیوتنا ندوبر مسائل و مشکلات سرپوش بگذارد.

سرپرست دفتر برنا مریزی و بودجه اعتراف می کند که: "در صدها لایسی از دانشجویان دانشگاهی این استان به علت مسائل سیاسی و درگیریهای عقیدتی یا از منطقه رفتند و یا آخراج شدند، گاهی

انسان فکرمی کند که انگار توطئه‌هایی برای آخراج این جوانان دانشجو در کار بوده. البته حق با این سرپرست برنا مریزی و بودجه است. چون نتیجه این توطئه آن بوده که اکنون این استان ستم کشیده از نیروهای متخصص بکلی خالی شده است در حالیکه آوندها تمام می گناهان را می خواهند گردن رژیم گذشته بیندازند، خودشان مسبب اصلی بدبختی‌های مردم این استان هستند. سرپرست دفتر برنا مریزی و بودجه استان سیستان و بلوچستان می گوید:

ما در این استان بهداشت درستی نداریم. تعداد دبزشکان خیلی کم است، تعداد درمیش‌ها خیلی زیاد. در همین زمان هدا ن که مرکز استان است وقتی بهام مریض می شود یا در بوم و صبح تا عصر منتظر بنشینم و تا زه آخرب هم یک پزشک هندی یا بنگلادشی که هیچ چیز سرش نمی شود و مرا معاینه میکنند. او در باره وضع اقتصاد استان "اعترافات" تکان دهنده‌ای دارد: "خشکسالی که چند سال پیش آمد لطمه زیاد به منطقه زد. شاید ما مثل سیستان با عت بوجود آمدن خشکسالی شده بود. بهر حال، زابل تا قبل از آن انبار غله کشور ما میده میشد. از آن سال به بعد دیگر زابل کمراست نکرد. از لحاظ محصولات کشاورزی، نظیر گوشت برنده و ماهی لطمه سختی وارد آموهمه زمین رفت. در آن سال تمام ماها از زمین رفتند و زایش زحدا عت شد که نیروی عظیمی همگی کوچ کردند و از این منطقه رفتند. دولت با نتوانست یا نخواست کمکی در اختیار آفرا دی بگذارد که در زابل مانده بودند. سیلی که دو سه سال پیش به دنبال سرمای منطقه آمد، دوباره لطمه دیگری به منطقه زد و ما عت عده دیگری را به دنبال داشت. مثلاً از روستای سدیف که چهار صد یا نصد خانوار جمعیت داشت فقط چند خانواره باقی ماندند. متخصصان سیستان اکثر از منطقه خارج شدند. من فکرمی کنم تا چند سال دیگر چیزی از زابل باقی نخواهد ماند. منطقه زابل بعلت نزدیکی با افغانستان شده بطورین افغانها، اینها اسلحه می کشند و میگویند پس نماینده ما در مجلس اسلامی کجاست؟ افغانها با عت گران منطقه شده اند. بهترین داوی درمانی را که در هیچ داروخانه پیدا نمی کنید، میتوانید از افغانها در کنار خیابان و یا در کاراها بخرید. این افغانها بیماریهای عجیبی با خود آورده اند که شدت در منطقه را یج شده است. سبب یکی از بیماریهایی است که میگویند از افغانستان آمده، مسئله اعتیاد هم یکی دیگر از گرفتاریهای منطقه است که عده‌ای دیگر از نیروهای متخصص را نابود کرده.

از آنجا که شیعه و سنی در این استان در جواریکدیگر زندگی می کنند، یکی از مسائل کلیدی که جمهوری اسلامی با تبلیغات مسموم خود در آن دام زده برانگیختن حس تعصب و دشمنی و نفرت نسبت به هموطنان اهل سنت است. سرپرست دفتر برنا مریزی و بودجه می گوید:

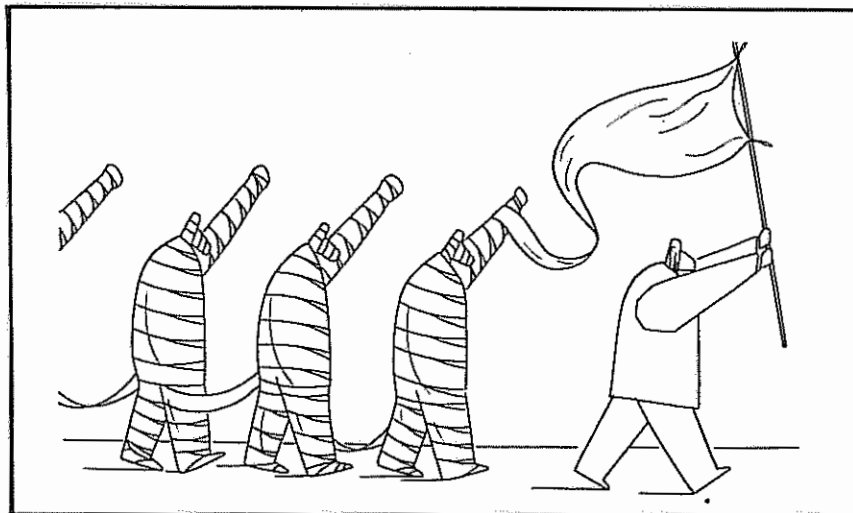
"قبل از انقلاب تعداد گروهی خیلی زیاد بود. بلوچ با فارس ازدواج میکرد. در عین حال که عده‌ای شیعه بودند و عده‌ای سنی، مسائل مذهبی مطرح نمیشد. حتی من دیده بودم که عمرکشان می کردند و بلوچ ردمیش، نگاه میکرد و مسلمانان اهمیت نمی داد. بلوچ در منزل فارس (شیعه) نماز می خواند، آن هم به شیوه خودش. در دانشگاهها چه استا دوچه‌ها کرد یک کارهایی را شروع کرده بودند. همه اینها از بعد انقلاب عوض شده. به عقیده سرپرست دفتر برنا مریزی و بودجه که در تحقیق محرمانه نخست وزیر منعکس شده، تنها مزیتی که جمهوری اسلامی برای اهالی این استان داشت این بود که بلوچ ها توانستند لباس محلی خودشان را بپوشند. وگرنه به علت بالا گرفتن آتش تعصب و دشمنی میان بقیه در صفحه ۱۱

سپروس امیدوار

دامنه گشتار و ویرانی

نام دین پذیرفتن، این نشان می دهد که بذرتبلیغات

سئوالها را با کارگزاران رژیم در میان بگذارند، دست کمی توانندگان آنها را نزد خود مطرح کنند. می پرسند به فرض که رژیم راست بگوید و دارید به خاطر اسلام به این جنگ ادا مسه می دهد، ولی کدامیک از احکام اسلامی می تواند توجیه کننده این را کسه در راه هدفی آن چنان، تلفات و خساراتی



این چنین بردولت همکیش و همجواری وارد آید؟ کدامیک از احکام اسلامی به آتقنای خمینی اجازت داده است که برای تغییر حکومت در کشوری دیگر، از نوجوانان گرفته تا جوانان و سالخوردهگان را هزار هزاره کشتار کند و بفرستد که در راه

خمینی بر زمین مساعدی که جزا طاعت کورکورانه از متولیان راست یار دروغ دین نمی تواند باشد، افشا نده نمی شود. مردم سالهاست که در باره انگیزه های ادا مئه این جنگ هولناک اندیشه می کنند، آنها سئوال های بسیار این باب دارند، اگر نمی توانند این

جنگ اول جهان را طول کشید، و پس از آن که پایان یافت، منظره سیاسی - جغرافیائی جهان، بویژه اروپا و خاور میانه، دیگر آن نبود که در آغاز جنگ بود، بسیار دگرگون شده بود: دو امپراتوری بزرگ، امپراتوری اتریش-مجارستان و امپراتوری عثمانی، تجزیه شدند. هسته های مرکزی آن دو امپراتوری، امروز دیگر در شمار کشورهای نیرومند و طراز اول جهان نیستند، سرزمین های کوچکی هستند. همانند کشورهای دیگری که جزایر رنگارنگ آن امپراتوریها را تشکیل می دادند و پس از پایان جنگ اول جهانی به استقلال رسیدند.

جنگ دوم جهانی شش سال طول کشید، بر اثر این جنگ نیز منظره جهان تغییرهای بزرگ یافت: اروپا که پیش از آن قدرت بزرگ جهان بود، سرانجام ناگزیر شد در مقایسه آمریکا و شوروی، برپله پائین تری قرار گیرد. پس از این جنگ، قدرت از اروپا به این سوی و آن سوی اقیانوس اطلس نقل مکان کرد. نیز پس از این جنگ جهانی بود که قیام همدار مستعمره ها آغاز شد و کشورهای استعمار زده، یکی پس از دیگری، به استقلال دست یافتند.

و اینک بنگریم جنگ جمهوری اسلامی و عراق را که هم از جنگ اول جهانی بیشتر طول کشیده است و هم از جنگ دوم. در این جنگ، اگر چیزی قابل مقایسه با دو جنگ جهانی پیدا شود، همانا دامنه گشتار و ویرانی آن است. و گر نه این جنگ تاکنون هیچ تغییری در منظره جغرافیائی - سیاسی نداده است و اگر بیست سال دیگر هم طول بکشد، نخواهد داد، مگر اینکه قدرت های که بر اثر تجزیه ایران در کمین نشسته اند، فرصتی پیدا کنند و از این باز آشفته سود بگیرند.

اما تبلیغات رژیم اسلامی بر آن است که جزا این القا کند، می خواهد چنین نشان دهد که این جنگ از غزوه های پیامبر و سپس لشکر کشی های که موجب گسترش حیرت انگیز قلمرو نفوذ اسلام شد، اگر مهمترین شددست کم با آنها برابر است. تبلیغات رژیم تهران هیچ باکی از این ندارد که خمینی را با پیامبران بزرگی مقایسه کند که به شمشیر یا به کلام و دعوت، دین خود را به اکناف جهان گسترده، بر دیوارهای شهرها و روستاهای ایران، نام روح الله خمینی، به دنیا ل ابراهیم و موسی و عیسی و محمد آورده شده است. و ننوشته اند: روح الله خمینی، بلکه نوشته اند: خمینی روح الله است! "ابراهیم خلیل الله" و "موسی کلیم الله" و "محمد رسول الله" را بیا آورده.

و از زبان مهدی بازرگان، که در دینداری او تردیدی نیست، بشنویم که مردم ایران در این باره چه می گویند. می گویند دین را رها کردن بهتر تا چنین حکومتی را به

مرزهای تازه

می خواسته است نشان دهد که قلمرو امنیت ملی آن تا کجا گسترش می یابد. از سوی دیگر اروپای غربی و ژاپن نیز به عنوان مصرف کننده اصلی نفت خلیج فارس نمی توانند به آنچه در ایران امروز می گذرد، بی اعتنا باشند. توازن استراتژیک تمام منطقه، چه در اثر پیروزی نظام جمهوری اسلامی و چه در اثر خطری که تمامیت ایران را تهدید کند، در هر دو حال بهم خواهد خورد. و این رانه اروپای غربی می خواهد هوشیار باشد. هر محاسباتی در باره توازن استراتژیک در منطقه، اگر عامل شوروی از آن کنار گذاشته شود، محاسبه نادرستی خواهد بود. شوروی اگر چه با اشغال نظامی افغانستان لطمه بزرگی به باور پذیر می سیاست تنش زده ای خود زده است، ولی با دمیدن عمرگورباچف و ادا مئه آن وارد مرحله تازه ای خواهد شد که با دوران برژنف تفاوت های عمده ای خواهد داشت.

در زمان برژنف، ایران حق داشت از همسایگی با شوروی احساس نا را حتی نیز بکند، ولی گورباچف عجلتاً "با مسائل مهمترین دست به گریبان است. اگر شوروی بتواند در افغانستان به پیدایش حکومتی استوار بر ترفاه ملی کمک واقعی کند، ایران دیگر هیچ دلیلی برای نگرانی از این باب نخواهد داشت که شوروی نیرومند، همسایه اوست. یک ایران نا وابسته و مستقل بسیار آسان خواهد توانست به سیاست همزیستی مالمت. آمیز با شوروی ادا مئه دهد.

شوروی به نوبه خود نمی تواند این را

حدا کثر ظرفیت کرمی کند؟ یک میلیون نفر در این جنگ کشته شده اند این رقمی است که حتی گفتنش هم آسان نیست، اگر واقعاً حکومتی جز رژیم خمینی مسئول این خونریزی هولناکی با شده که مسلمانان را در برابر مسلمانان قرار داده است، پس چرا پیش از بقدرت رسیدن رژیم اسلامی تهران، در منطقه ویرانی و کشتاری روی نداد که است که بسا جنگ

کنونی قابل مقایسه باشد؟ آخر از کجا و از کی ایران را برای تغییر حکومت در عراق چنین عطشان شده اند که برای دستیابی به این منظور صدها هزار کشته بدهند، به همین اندازه معلول و آواره داشته باشند و اقاصم د کشور را به خاک سیاه نشسته ببینند؟

پس از شش سال واندی جنگ، شیخ علی کبر رفسنجانی تا ز به بیادش افتاده است که با یدما شین جنگی عراق را نبوده کند. این ماشین جنگی اگر تا نبوده بود که تاکنون شده بود، آیا بهتر نیست که هاشمی رفسنجانی، برای یک بار هم که شده، سخن راست با مردم بگوید؟ هدف این جنگ نبوده کردن ماشین جنگی عراق نمی توانند باشد هدف نابودی نیروی انسانی، نابودی اساس جامعه مدنی، نابودی اقتصاد ملی است. و این هدف هم اکنون بدست آمده است.

برای مدتی طولانی تحمل کننده مرزهای جنوبی خویش را نا آرا میا بد. آشفته گی و بهم ریختگی در خانه همسایه، هر قدر هم که کوچک باشد (حال آنکه ایران از هیچ لحاظ همسایه کوچکی نیست) به هر حال همسایه بزرگ را ناراحت خواهد کرد. همه نشانه ها حکایت از آن دارد که شوروی نیز در ایران با ثبات ونا وابسته دیده مثبت و به چشم تا شید می نگرد.

با در نظر گرفتن مجموعه این احوال، می توان گفت که رژیم جمهوری اسلامی پیش از همه دولت های دیگر از تغییراتی که در پیش است احساس خطری کند، این احساس خطرات البته فقط از آنرو نیست که موقعیت بین المللی رژیم خمینی از ضعف و نزوای شدید رنجور است، بلکه بیشتر بدان سبب است که زمینه اجتماع رژیم در داخل مدا مست ترمی گردد. ما در باره با یگا ههای اجتماعی از دست رفته رژیم با رها سخن گفته ایم، برآستی امروز دشوار است برای رژیم تهران با یگا ه اجتماعی جدی بی یافتن رژیم به سر نیزه پا سدا رانش و به نهاد های سرکوبگرش متکی است. حتی آیت الله خمینی و اطرافیانش نمی توانند بر این مدتی طولانی روی سر نیزه بنشینند. دور و برچنان خالی شده است که ضربه دست سرکوبگران، هرگاه که بلند می شود، جز به نزدیکان خودش اما بت نمی کند: مهدی هاشمی و سید احمد کاشانی شناخته شده ترین این نزدیکانند. حکومت اسلامی خود نیز به جان خویش افتاده است. این سرنوشت همه رژیمها می است که با یگا ههای اجتماعی خود را، یکی پس از دیگری، از دست می دهند.

ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین‌المللی

بمباران شهرها

نماینده خبرگزاری فرانسه در تهران، در گزارشی راجع به جنگ می نویسد: به نظر می رسد تنش جنگ که در روزهای ۱۹ و ۱۵ ژانویه به وسیله جمهوری اسلامی در جبهه‌های جنوبی و مرکزی شعله ور شد فروکش کرده است زیرا روز ۱۹ ژانویه رسانه‌های جمهوری اسلامی اطلاعات بسیار کمی راجع به عملیات کربلا منتشر کردند. تنها بیانیته نظامی روز دوشنبه ۱۹ ژانویه مربوط به عملیات کربلا ۵ است که ۱۲ روز پیش به طرف بصره آغاز شد. در این بیانیته بدون ذکر آمار و ارقام تنها از پیشرفت اندکی به سوی بصره سخن رفته است. بر اساس این بیانیته، نیروهای جمهوری اسلامی با عبور از رودخانه "جاسم" مرحله سوم عملیات کربلا ۵ را آغاز کرده اند.

در این حال عراق می‌گوید فضا ر خود را بر نیروهای جمهوری اسلامی در نوازی به مساحت ۱۰ کیلومتر مربع افزایش داده است.

کرده که عصر دیروز کرمانشا، اسلام آباد و یک انبار مهمات در سقز را بمباران کرده است. از سوی دیگر حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر روز ۱۹ ژانویه اظهار داشت که مصر هواپیما یا سایر سلاح‌های تهاجمی در اختیار عراق قرار نداده است. وی گفت: عراق از ما سلاح نخواسته و به آن احتیاج هم ندارد. حسنی مبارک افزود: حتی یک سرباز ارتش مصر در عراق یا جای دیگری جنگد.

تهران - خبرگزاری فرانسه ۲۰ ژانویه

سیاست‌های آمریکا

آمریکا تمام امکانات خود را برای تعقیب آنچه در مرزهای ایران و عراق می گذرد بکار نمانده است. در واقع تلفات عظیم انسانی در عملیات کربلاهای شماره گذاری شده به وسیله ما هوا رها های بسیار دقیق آمریکا فاش گردید.

لوما تن می نویسد: به نظر نمی رسد که دولت ریگان به طور رسمی از وضع نظامی در اطراف شهر بصره نگرانی خاصی داشته باشد. علیرغم اعلامیه‌های مکرر نظامی جمهوری اسلامی که حاکی از شدت یافتن نبردها و پیشروی به سوی بصره است، وزارت امور خارجه آمریکا منابع نظامی آن کشور را مشغول عیبی از خود نشان می دهند.

در حالی که هفته گذشته شدت نبرد و تعداد تلفات عظیم انسانی حاکی از گسترش یافتن دامنه جنگ در نزدیکی بصره بود، کارشناسان آمریکا نمی‌توانند اطمینان می دادند که هیچ دلیلی در این باره وجود ندارد. بر این اساس جمهوری اسلامی قصد دارد حمله سرنوشت ساز موعود خود را آغاز کند و وجود ندارد.

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا تنها به فرستادن پیامی تشریفاتی و عملی بدون فا ایده کتفا کرده و جمهوری اسلامی خواست همانند عراق با آتش بس و آغاز مذاکرات موافقت کند.

دولت ریگان همچنین در برابر گزارشی از مطبوعات اروپایی مبنی بر این که آمریکا قصد دارد وگان خود را برای جلوگیری از زیروزی احتمالی جمهوری اسلامی به خلیج فارس بفرستد عکس العملی نشان نداد.

بر اساس اطلاعات ما هوا رها های آمریکا، تلفات نیروهای عراق تا آخر هفته گذشته به ده هزار تن رسید. بر اساس همین گزارش ها تعداد کشته‌های جمهوری اسلامی به ۲۰ هزار نفر و تعداد مجروحانش نیز به ۲۰ هزار نفر رسید.

لوما تن می افزاید: از سوی دیگر، عراق از سیاست آمریکا در بر تحویل سلاح به جمهوری اسلامی که بدون تردید به حملات اخیر رژیم تهران، کمک فراوان کرده است دلگیری است. طبعی با سبب رمان معاون نخست وزیر عراق اخیراً از عدم پای بندی آمریکا به اخلاق شکاریت گرد و گفت شکست عراق در شبه جزیره فا و ناشی از اطلاعات غلطی بود که آمریکا در اختیار عراق گذاشت.

به گفته مقامات بلندیای عراق، آمریکا از طریق مذاکرات مخفیانه با جمهوری اسلامی دود هدف را دنبال میکند؛ از یکسو قصد دارد جنگ ادا می‌باید تا کشورهای نفت خیز منطقه و به ویژه عربستان سعودی را با ترساندن از خطر حمله جمهوری اسلامی و ادرا رسا زد پاینده‌ها می‌نظا می‌در

خلیج فارس در اختیار آمریکا قرار دهند و از سوی دیگر با ادا می‌باید فتن جنگ نفوذ خود را در جمهوری اسلامی برقرار کنند.

لوما تن می افزاید: مسئولان عراق در همین حال فاش کردند که ما جرای فروش اسلحه آمریکا می‌باید به جمهوری اسلامی و نقشی که اسرائیل در این میان برعهده گرفت، به نفع عراق تمام شد زیرا باعث گردید موقعیت عراق در جهان اسلام و عرب بطور قابل ملاحظه‌ای تقویت شود.

لوما تن - ۲۱ ژانویه ۸۷

نبردهای دریاچه ماهی

به گزارش خبرگزاری فرانسه از واشنگتن، دولت آمریکا روز ۲۱ ژانویه اعلام کرد که نیروهای جمهوری اسلامی در جبهه جنوبی پیشرفت‌های بسیار کوچکی بدست آورده اند، ولی خطر سقوط شهر بصره وجود ندارد.

خانم فیلیس اوکلی سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا روز ۲۱ ژانویه اظهار داشت: نیروهای جمهوری اسلامی در روز سه شنبه ۲۰ ژانویه سعی کردند از سرپل خود در دریاچه ماهی خارج شوند، ولی نیروهای عراقی جلوی این حمله را سد کردند. با وجود این چندواحد از نیروهای بیابان جمهوری اسلامی در جنوب این منطقه اندکی بسوی غرب پیش رفتند. ولی هنوز نیروهای جمهوری اسلامی به خطوط پیشرفته عراقی نرسیده اند.

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا نگرانی ایالات متحده را از ادا می‌باید جنگ و تلفات عظیم انسانی ناشی از آن اعلام کرد و افزود: این جنگ خطری واقعی برای ثبات تمام منطقه است.

خبرگزاری فرانسه می‌افزاید: از سوی دیگر مفسران آمریکایی معتقدند که نیروهای جمهوری اسلامی طرف زودهای آینده زنی خود هتدا فتاد. این بیرونی کارشناسان تأکید می‌کنند که جمهوری اسلامی به ندرت توانسته است هجوم‌های بزرگ خود را بیش از ۲۵ روز ادا می‌دهد، زیرا با مشکلات بزرگ لجستیک و پشتیبانی روبرو می‌شود.

کارشناسان نظامی آمریکا با توجه به سلاح‌ها و استحکاماتی که عراق در اختیار دارد تلفات جمهوری اسلامی را سه برابر تلفات عراق برآورد می‌کنند. به عقیده کارشناسان جمهوری اسلامی بیش از پیش برای تأمین اسلحه و مهمات برای نیروهای خود که در شمال فامی جنگند با مشکل روبرو خواهد شد.

واشنگتن - خبرگزاری فرانسه ۲۲ ژانویه

تهدید کنفرانس اسلامی

یک سازمان تروریستی نوظهور به نام "کمیته دفاع از زندانین سیاسی عرب در کویت" روز ۲۰ ژانویه در پیامی تهدید کرد چنانچه کویت ۱۷ تروریست عضو حزب الدعوة را که در آن کشور زندانی هستند رها نکند، شرکت کنندگان در کنفرانس اسلامی کویت را از بین خواهد برد.

شخص ناشناسی که خود را سخنگوی سازمان مذکور می‌خواند در یک مکالمه تلفنی با دفتر خبرگزاری فرانسه در پیامی گفت: "اولین هشدار ما انفجار در کویت است قبل از برگزاری کنفرانس خواهد بود." قرار است کنفرانس سران اسلامی روز ۲۶ ژانویه در کویت آغاز زبکا کنند.

تا بحال سه سازمان تروریستی وابسته به جمهوری اسلامی یعنی سازمان جهاد اسلامی، "جنبش اسلامی انقلابی" و "سازمان عدالت انقلابی" به مناسبت برگزاری کنفرانس اسلامی کویت را تهدید به عملیات تروریستی کرده اند.

به گفته مقامات کویتی دوشنبه ۱۹ ژانویه حوادث کوچکی در پیستارهای اسلامی، "جنبش اسلامی انقلابی" و "سازمان عدالت انقلابی" به مناسبت برگزاری کنفرانس اسلامی در کویت است. ناظران خاطر نشان می‌کنند که جمهوری اسلامی با تمام امکانات خود سعی دارد از برگزاری کنفرانس اسلامی در کویت جلوگیری کند و عملیات کربلا ۴ تا ۶ نیز که به مرگ حداقل ۲۰ هزار تن از نیروهای جمهوری اسلامی منجر شد، در همین رابطه صورت گرفت. به گفته همین ناظران تشکیل کنفرانس اسلامی در کویت یک شکست بزرگ دیپلماتیک برای جمهوری اسلامی بشمار میرود.

در این حال کویت از لبنان خواست به

دلایل امنیتی پروازهای بین بیروت و کویت را از ۲۰ ژانویه تا اول فوریه قطع کند.

۱۷ تروریستی که "کمیته دفاع از زندانین سیاسی عرب در کویت" خواستار آزادی آنها شده است همان گروهی هستند که با رها سازمان جهاد اسلامی نیز هم‌قابل آزادی دوگروگان فرانسوی خواستار آزادی آنها شده است. این عده عبارتند از ۱۲ عراقی، سه لبنانی، یک کویتی، یک عرب بدون تابعیت که عضو حزب الدعوة وابسته به جمهوری اسلامی هستند و در ۱۲ دسامبر ۱۹۸۲ یک سلسله عملیات انفجاری در کویت دست زدند.

خبرگزاری فرانسه - ۲۱ ژانویه ۸۷

خودداری

ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه، روز ۲۱ ژانویه از پذیرفتن علی‌آهنگسی، فرستاده جمهوری اسلامی خودداری کرد. علی‌آهنگسی مدیرکل آمریکا و روسیای وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی که در راهس هیئت به منظور اعزامی از سوی جمهوری اسلامی و فرانسوی ۱۸ ژانویه وارد پاريس شد دوشنبه ۱۹ ژانویه به مدت دوماهت با ژان برنارمون، وزیر امور خارجه فرانسه دیدار و گفتگو کرد. در همان حال منابع مطلع در پاريس اعلام کردند چنانچه مذاکرات بخوبی پیش رود ژاک شیراک روز سه شنبه ۲۰ ژانویه آهنگسی را بحضور خواهد پذیرفت. اما نخست وزیر فرانسه دیدار با ژان برنارمون انجام نشده است. جمهوری اسلامی خودداری کرد. خبرگزاری جمهوری اسلامی که روز دوشنبه ۱۹ ژانویه گزارشی داده بود که علی‌آهنگسی حامل پیامی از سوی میرحسین موسوی برای نخست وزیر فرانسه است.

آهنگسی روز ۲۰ ژانویه با یکی از اعضای دفتر شیراک دیدار کرد. به نوشته خبرگزاری فرانسه، به نظر نمی رسد که مذاکرات علی‌آهنگسی با "ژان برنارمون" که به طور عمده اختصاص به آزادی گروگان‌های فرانسوی در لبنان داشت، تحول چشمگیری رخ داده باشد. از همین رو ژاک شیراک از پذیرفتن وی خودداری کرد. دیدارهای علی‌آهنگسی سه شنبه ۲۰ ژانویه در سطح ملاقات با رئیس دفتر وزیر امور خارجه تنزل یافت. وی قرار است روز چهارشنبه ۲۱ ژانویه پاريس را ترک کند.

سفارت جمهوری اسلامی در پاريس صبح روز ۲۰ ژانویه اعلام کرد که علی‌آهنگسی بعد از ظهر امروز یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار خواهد کرد ولی چند ساعت بعد از تاخیر این مطلب خودداری کرد.

خبرگزاری فرانسه - ۲۱ ژانویه ۸۷

پیام صلح

به گزارش خبرگزاری فرانسه، صداحسین رئیس جمهوری عراق در پیامی خطاب به مردم ایران، خواستار ختم جنگ ایران و عراق و برقراری صلح کامل میان دو کشور شد.

وی در پیام خود خطاب به ملت ایران گفت که عراق هرگونه حمله جدیدی را با شکست روبرو خواهد ساخت و بدون عقد قرارداد صلح، مرگ و آبرویی در انتظار متجاوزان خواهد بود.

صداحسین در پیامی دیوبی خودتاکید کرد که عراق فقط در حال دفاع از سرزمین و اماکن مقدس خویش است و قصد اشغال ایران یا اماکن مقدس آنرا در سر ندارد. وی یکبار دیگر پنج شرط اصلی کامل میان دو کشور را بر شمرد که عبارتند از: عقب نشینی کامل و بدون قید و شرط به مرزهای بین‌المللی، مبادله کلیه اسیران جنگی، امضای قرارداد صلح و عدم تجاوز، عدم مداخله در امور داخلی هر یک از دو کشور، و تعهد دو کشور برای حفظ ثبات و امنیت منطقه بخصوص در خلیج فارس.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، پیام صداحسین در پاريس سخن گفتی بود که اخیراً "خمینی" طی آن از مردم ایران خواسته بود به یاری برادران خود در مرکز و جنوب جبهه بشتابند.

خبرگزاری فرانسه - ۲۲ ژانویه

فرهنگ ایران

محمد جعفر محبوب

مثنوی و کلیله

تأثیر روش و داستان‌های کلیله و دمنه در مثنوی مولانا

اهمیت و اعتبار کلیله

کلیله و دمنه از کتاب‌های بسیار معتبر و درجه اول جهان است. در این سه هزار سال که از زمان لیبف اصل آن می‌گذرد، هرگز آدمیان آن را از دست فرونگذاشته‌اند. این کتاب در طی زندگی دیربای، بلکه جا ویدان خویش چه در دنیا و چه در عصر جدید طرف علاقه ملل گوناگون بوده است. در روزگار باستان با دنا هی مقتدر چو نانو شیروان بزرگترین پزشک روزگار خود را با اعتباری نامحدود، به صورت ناشناس به هندی فرستاد تا با برداختن سیم و زر بسیار، به هر طریق که صلاح می‌دانند این گنجینه گران بها را که زندگی بخش مردگان جهل و نادانی است به ایران بیاورد و این حادثه چندین مهبوده است که در تمام کتاب‌های تاریخ فصلی مستقل به آن اشاره شده و واقعاً بزرگ ادبی اختصای یافته است. در قرون جدید، پس از رنسانس نیز کلیله و دمنه از طریق یکی از تخریرهای فارسی جدید ترخویش موسوم به انوارسپیلی به زبان فرانسوی ترجمه شد و لافونشن افسانه‌سرای ما جانام فرانسوی در افسانه (قابل) های خویش آن بهره‌گافی برد و سپس شهرت "افسانه‌های بیدبای" - عنوانی که این کتاب در زیر آن به اروپا شناخته می‌گردد، عالمگیر شد، تا جایی که منتقدان نوشته‌اند: "ادب تطبیقی در فرهنگ اروپا بی‌برابرتر ترجمه دو کتاب پدید آمد: کلیله و دمنه و هزارویک شب".

شگفتا که در تاریخ، تدوین، ترجمه و معرفی این کتاب به جهان نیز، ایرانیان سهمی بسیار داشته‌اند و رندکها از نوشتن اصل کتاب کمتر نیست. می‌دانیم که اصل کتاب هندی است، اما در ادب باستانی هند هرگز کتابی بدین نام وجود نداشته و ندارد. ایرانیان پنج باب این کتاب را از یک منبع و سه باب را از سرچشمه‌ای دیگر و دو باب را از منابع ناشناخته گرفتند و آنجا که آنجا که با سکریت به ایران آمده بود به پهلوی ترجمه کردند و خود نیز در باب دیگری بدان افزودند و نام آن را کلیله و دمنه نهادند.

ترجمه‌ها

در قرن دوم هجری مترجمی ایرانی نژاد که درسی و شش سالگی به جرم علاقه به زاد بوم خویش به دست مهاجمان خون ریز و ناسلمان عرب گشته شد، روزی به فرزند دایه‌ساز پارسای معروف به عبدالله بن مقفع کلیله را از پهلوی به عربی ترجمه کرد. این ترجمه چندان شهرت و قبول عام یافت که امروز نیز از عربی زبان درسخوانده‌ای بپرسند (بجز قرآن که کلام خداست و با کار بشری بی‌بندارند) معروفترین کتاب بشر عربی کدام است؟ بی‌درنگ خواهد گفت: کلیله و دمنه. در حقیقت کلیله در ادب عرب همان مقام را دارده که گلستان شیخ اجل سعدی در ادب فارسی، یعنی مقام اژدها. در آمدن کلیله و دمنه به صورت کتاب درجه اول ادب عرب نه تنها توجه مسلمانان را برانگیخت، بلکه مسیحیان هم که به دوستی یا دشمنی با مسلمانان ارتباط می‌افتند (پسوند های بازرگان یا جنگی، مانند جنگ‌های صلیبی و جز آن) طبعاً نخستین کتابی را که می‌شناختند کلیله و دمنه بود و از همین روی است که کلیله خیلی زود به زبان‌های عبری، سریانی، لاتین و یونانی ترجمه شد و در این زبان‌ها ترجمه‌های مکرر آن در دست‌داریم چنان که در همان دوران انوشیروان و پیش از طلوع اسلام، به سال ۵۷۰ میلادی کلیله از پهلوی به سریانی قدیم ترجمه شد و این ترجمه به عنوان قدیمترین ترجمه کلیله و دمنه اکنون در دست است.

در زبان‌های دیگر نیز ترجمه‌های متعددی از آن در دست است، مثلاً به ترکی عثمانی، مغولی و سایر لهجه‌های ترکی، ترجمه‌های مکرر به فرانسوی و انگلیسی و آلمانی و غیره چندان که تاکنون این کتاب به ۹۳ زبان ترجمه شده است. کتاب کلیله داستان شیرین و سرگذشتی شگفت‌انگیز دارد که اکنون در صد باب زنگنه آن نیستیم، اما بدیهی است که کتابی بدین شهرت و اعتبار، در همه زبان‌ها و همه کشورهای مورد تقلید قرار می‌گیرد. حتی در زبان فارسی که یکی از خواستگاران اصلی کلیله است از این کتاب تقلیدهای متعددی، و از جنبه‌های گوناگون صورت گرفته است. که با شرح آن‌ها درخور این گفتار کوتاه نیست، یکی از تقلیدهای که از کلیله شده، گرفتن روش داستان سرایی آن است. روش نگارش کلیله که "افسانه‌های هندی" است، روش گفتن داستان در درون داستان دیگر است. در این باب توضیح زیاد لازم نیست چه همواره خوانندگان عزیز به روش کلیله آگاهی دارند. نویسنده داستان، مانند داستان شیرین و سرگذشت را مطرح می‌کند، یکی از قهرمانان در ضمن سخن گفتن به دیگری گوید: چنین مکن، و گرنه به توهمان رسد که به فلان (جانور یا انسان) رسید. طرف خواستار داستان در آن می‌شود، و گوینده آن را نقل می‌کند. گاه ممکن است در میان این داستان دوم نیز چنین وضعی اتفاق افتد و سومین داستان طرح شود و بر همین قیاس، نویسنده تا پنج یا شش داستان را، یکی در دل دیگری، مانند پوسته‌های پیاز، نقل کند. آن گاه

آخرین داستان اول، سپس داستان ما قبل آخر، بعد داستان پیش از آن، و سرانجام در پایان همه نخستین داستان پایان می‌یابد. این روش نیز خود چند صورت می‌تواند داشته باشد. اینک از یاد کردن آن‌ها معذوریم. گاه شاعران و نویسندگان ایرانی این روش را می‌سوزند و تقلید قرا داده‌اند. مثنوی شریف مولانا جلال الدین نه تنها از بسیاری از داستان‌های کلیله الهام گرفته - و گاه صریحاً "بدان‌ها اشاره کرده - بلکه روش بدیع داستان سرایی کلیله نیز توجه آن گوینده بی‌مانند را جلب کرده و مثنوی خویش را به همین اسلوب پرداخته است.

باب بوف وزاغ

یکی از باب‌های معروف کلیله و دمنه که اصل هندی دارد باب بوف وزاغ (= جغد و کلاغ) است. نظرو هسدف نویسنده در این باب آن است که "به دشمن فریفته نشاید گشت، اگر چه کمال ملاحظت و تضرع، و فرط مجاکست و تواضع در میان آورد، و ظاهراً هر چه آراسته‌تر - به خلاف باطن - بنماید. در حقیقت یکی از روش‌های دشمن، دستگاه‌های جاسوسی همین است که تریبی به هنده که طرف مقابل بدیشان اعتماد کند، و سخن آن را حقیقت بنماید، آن گاه هر چه خواستند و نتوانستند با او خواهند کرد.

ما جب کلیله در این باب، داستان گروهی انبوه از زغان را می‌آورد که بر درختی بسیار بزرگ خانه‌ها شدند و آن را با دنا هی بود که همه از او فرمان می‌بردند. شی بومان سرزغان شیخون آوردند و گروهی کثیر از ایشان را بکشند و مظهر و منصور را بکشند. روز دیگر پادشاه زغان را گرد آورد و گفت: از بومان شکستی سخت خوردیم، و این امر موجب می‌شود که با زغان، و با ره‌های دیگر با زغان بشوند و همین بلایا بر سر ما بیاورند. شما چه نظر دارید؟

در میان زغان پنج زاغ بودند که به خردمندی و حسن تدبیر شهرت داشتند. شاه نظر هر یک را پرسید: یکی گفت، بهترین است که همه از این جای برویم، دیگری گفت بهتر است جنگ کنیم. یا پیروزی شویم یا - اگر شکست خوردیم - باری به ترس و بی‌حیثیتی منسوب نمی‌شویم. سومی گفت: بهتر است با ایشان مذاکره کنیم و خراجی از ایشان بپذیریم. چهارمین گفت به نظر من رفتن از این جایگاه بهتر است زحمت نگر برداختن خراج به دشمن است. وقتی پادشاه از وزیر پنجم نظرمی خواهد بود می‌گوید: من با جنگ با ایشان مخالفاً، چون بر ما پیروز خواهند شد، به مذاکره و پذیرفتن خراج نیز رضی نیستیم چه آن ننگی است که همواره بر ما خواهد آمد. اما آنچه را که بپذیرد، در خلوت به شاه تو نام گفت.

شاه خلوتی می‌سازد و در آن جای از مذاکرات بسیار و نقل داستان‌های گوناگون سرانجام گوید: با پادشاه حیات و مکر قدم در این کار بگذاریم. ملک آشکارا بفرماید تا ما بزنند و به خون بیایند و در زیر درخت بیفتند، و ملک با تمام لشکر بیرون رود و به فلان موضع مقرر می‌شود و منتظر آمدن من باشد تا من از مکر و حیلت خویش فارغ شوم و بیایم و شاه را با ما گاهانم.

ملک چنین کرد، زاغ را مجروح و خونین و پیرشکسته در زیر درخت بیفتاند و زغان همگی برفتند. چون بوم - بوم - بوم بیاید مدتی زغان را بنیافتند، فقط زاغی زخمین را دیدند که فتنه بود و بر خود می‌پیچید و ناله می‌کرد. شاه و بومان با بومی چند به سوی او رفتند و دانستند که وی وزیر است و او را بدین روز نمانده است. وقتی حال را از او پرسید، گفت شاه بر من بدگمان شد و مرا بدین حال و روز انداخت. پرسید: به چه سبب؟ گفت: چون شما آن شیخون بگردید ملک ما را خواند و فرمود که شارتی کنید... من که از نزدیکی او نبودم گفتم: ما را با بوم طاقت مقابله نیست. زغان... رای این است که رسول فرستیم و صلح خواهیم... زغان در خشم شده مرا متهم کردند که توبه جانم بوم میل می‌داری... ملک مرا عذابی فرمود... و... دیدم که جنگ را می‌سازند.

شاه بومان را از وزیران خویش دربار ره‌کار زاغ پرسید. همه گفته‌های وی را تصدیق کردند و لایق تنگ گفت: زینهار تا ملک به سخن او االتفات نکند و افسون او را در گوش‌های ندهد که بردوستان ناآزموده اعتماد دگرگردن حرام است.

با وجود گفت و شنید بسیار، بومان نصیحت وزیر روشن بین خویش را نمی‌پذیرد و به افسون زاغ فریفته می‌شود: ملک بومان، چنانچه رسم بی‌دولتان است، این نصایح نشنود و زاغ هر روز... به نوعی در مخمیت خویش می‌افزود تا بر... اسرار ایشان و قوفیافت... آن گاه بسه نزدیک زغان رفت و... ملک را گفت: "تو می‌بمانی در فلان کوه اندروزها در غاری گردمی آینه‌سوزد آن نزدیکی هم‌بسیار راست. ملک زغان را بفرماید تا قدری از آن را بر در غار بنهند و شبانان در آن حوالی آتش‌دارند، من فروغی از آن بیارم و وزیر هم‌بهم... ملک فرمان دهد تا زغان به حرکت پیران آتش را بگیرند، چون آتش بگیرد هر که از بومان بیرون آید بسوزد و هر که در غار بماند زود بمیرد. نتیجه داستان روشن است.

پیروزی چشم گیر زغان بر بومان بر اثر تدبیر وزیر خردمند.

تقلید از داستان

این داستان از دوران‌های بسیار قدیم مورد تقلید داستان‌سرایان، و حتی مؤرخان، قرار گرفته است. به صحنه‌ای از این قبیل، در سفر محمود به هندوستان برای فتح سومنات برمی‌خوریم. استادان دروان نصرانی فلسفی در گفتار پیرا رزش خود زیر عنوان "فتح سومنات" نوشته است: "در راه کوچ به سند، دوهندو از طریق نیرنگ راه‌نمای سلطان شدند، او را با سیا به سیا بانی بی‌آب و گیا به بردند. ولی سلطان نیز برایشان دریا فت و آن هردو را سیاست کرد، و پس از چند روز گردانی عاقبت سیا هیان را از تشنگی و هلاکت نجات داد و به سلامت به جلگه سفلی سندرسانید."

این ماجرا، که دوهندو، با گذشتن از جان خود پیش محمود آید و او را به سیا بانی بی‌آب و علف رهبری کنند، با آن که می‌دانستند ممکن است محمود آن را بکشد، در سفر فخری نیز ننگ سیاست یافته است. در شاهنامه نیز، در داستان هفت خان اسفندیار، در پایی این حکایت، و این نیرنگ را که در حقیقت از حیل‌های داستان برداری است، در خان هفتم اسفندیار می‌یابیم، که راه‌نمای اسفندیار، با وجود داشتن خطری که ممکن است باره‌نمایی نادرست او را تهدید کند، وی را بسه بی‌راه‌می‌افکند و سر خود را به باد می‌دهد.

در داستان ابومسلم نیز چنین صحنه‌ای وجود دارد. اما داستان‌های گوناگون مورد نظر ما است. قصه‌ای است از دفتر اول مثنوی شریف مولانا زیر عنوان: داستان آن پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت از تعصب... پیش از وارد شدن در اصل داستان با بدگفت کسه‌روشی داستان سرایی در مثنوی شریف نیز همان روش کلیله و دمنه یعنی آوردن داستانی در درون داستان دیگر است و مولانا این روش را برای اثربزرگ عرفانی و تربیتی خویش بهتر از روش‌های دیگر دانسته است. دیگر این که تا کنون هیچ یک از شاعران مثنوی - آری قدیم - جدید - به همان نندی این دودا داستان و حتی ساخته شدن بعضی روایت‌های "تاریخی" بر اساس این داستان کلیله توجه نداشته‌اند. استاد دققید بدیع الزمان فروزانفر نیز در "مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی" آن را گرفته شده از حکایتی می‌داند که در تفسیر ابوالفتوح رازی آمده و در آن مردی یهودی، بولس (= پولس، پل) نام پس از جنگ با مسیحیان به‌عنوان توبه می‌کند و مسیحی می‌شود و برای خود خطبه‌ای تعیین می‌کند و خود را می‌کشد. این بولس همان است که مسیح را موجودی فوق‌انسانی پنداشته و از اتحاد مریم و عیسی با خدا سخن گفته و عیسی را پسر خدا شمرده و مذهب تشلیت را پایه‌گذاری کرده است. داستان این شخص به صورت‌های دیگر در مآخذی مانند قصص الانبیا نیز آمده است ولی در هر حال بولس یا "سن پل" در شمار پایه‌گذاران مسیحیت است و در سال ۶۴ یا ۶۷ میلادی به دست سزورون امپراتور خون ریز روم کشته شد و خودکشی او درست نیست.

داستان شاه یهودی

اما داستان شاه نصرانی کشت و وزیر حیل‌گروی ساخته قریحه فطری مولانا است و آنچه تاکنون گفتیم فقط می‌توانسته است الهام بخش وی در طرح ساختمان کلیتی قصه باشد. شرح جزئیات و موقوفات ختن داستان در هر نقطه و بیانی حقایق و معارف همه‌زمانه مولانا و خاص این سخن سرایی بی‌نظیر است. اینک داستان:

دشمن عیسی و نصرانی گداز عهد عیسی بود و توبت آن او جان موسی او موسی جان او... چون غرض آمد هنر بیوشیده شد صدحجاب ازل به سوی دیده شد چون دهد قاضی به دل رشوت قرار کی شناسد ظالم از مظلوم زار

شاه از حقد جهودانه چنان گشت آخول (سلیح، چپ) کالامان یارب، امان صد هزاران مؤمن مظلوم کشت که: "پناه هم دین موسی را و پشت این پادشاه را وزیر است سخت قریب کار روحیه‌گر. شاه را گفت: کشتن ترسایان را فایده‌ای نیست، چه ایشان دین خود را اینها می‌کنند و در ظلم خود را پیرو موسی فراموش نمی‌کنند. شاه گفت پس چه تدبیری توان کرد که در جهان هیچ نصرانی، خواه آشکارا خواه پنهان، باقی نماند. وزیر



راز موفقیت در جمهوری اسلامی

میرحسین موسوی نخست وزیر رژیم تهران روزی در مصاحبه ای با روزنامه "جمهوری اسلامی" گفت: "یکی از راه های موفقیت ما این است که اطلاعات و اخبار به وفور در اختیار ملت و رسانه های گسرومی قرار می گیرد."

نخست وزیر اسلامی تعیین نکرد ایمن اطلاعات و اخباری که به وفور در اختیار رسانه های همگانی قرار می گیرد، از کدام نوع است، ولی سیاست اطلاعاتی رژیم از همان نخستین روز بقدرت رسیدن یا حتی ماهها پیش از آن، هنگامی که امت خمینی درباری است، این بود که خبرها و اطلاعات را به وفور پخش کند، لیکن نه خبرهای راست، بلکه خبرهای دروغ یا نیمه دروغ، دروغگوئی اکنون یک رکن سیاست اطلاعاتی رژیم اسلامی است. همان اسلحه که دروغگوئی را در شمارگانها بزرگ می آورد، احکام روشن و صریح دین سبب نشده که رژیم اسلامی در زهدان دروغ شکل نگیرد، در قساوت زاده نگردد و در خشونت رشد نکند.

آیت الله، یعنی "نشانه خدا"، وقتی که به قدرت رسید، خود را به شیطان بسیار نزدیکتر نشان داد. هیچیک از آنچه را که می گفت خواهد کرد، نکرد، و همه آنچه را که گفت نمی کند، کرد. گفت روحانیان به مجسدها با زخا هندگشت و اداره امور را به کارشناسان غیر آخوند و آخوندان سپرد، ولی در عمل کارشناسان غیر آخوند را از همه شغلها و مقامهای کلیدی تصمیم گیری راندند و آخوندهای عمامه دار را بی عمامه را به جای آنها نشاندند.

گفت که آب و برق و تلفن و رفت و آمد شهری همه را یگان خواهد شد، ولی نه تنها چنین نشد، بلکه مردم ایران اکنون باید برای این خدمات بهائی چندین برابر بهای قبلی بپردازند. گفت که هیچکس را به سبب عقاید سیاسی حتی با زخا ست نخواهند کرد، ولی کاش فقط با زخا ست می کردند، عقاید سیاسی خلاف آنچه آیت الله می گوید، مجازاتهای بیین زندان تا مرگ دارد.

گفت حکومت او، چون اسلامی است، حکومت برکت و رحمت خواهد بود، اما در عمل جز نکت و خشونت برای مردم ایران بهارمغان نیاورد. گفت که ما، یعنی متولیان دین از آن نوعی که خمینی می فهمد، با هیچکس که با ما دشمنی نکند، عداوتی نخواهیم داشت، و حتی غیرمسلمانان نیز نخواهند توانست در پناه اسلام ایمن و آزاد باشند، ولی در حالی که غیرمسلمانان خارج را چندین کاری نداشت، نخست به روی مسلمانان داخل شمشیر کشید و سپس دست تاجا و زبه سوی همسایگان مسلمان برداشت، کوبا و نیکارا گوشه، به رغم فاصله دراز، چهارز حیث جغرافیائی و وجهه حیث عقیدتی، باز

هم از جمهوری اسلامی چندان دور نبودند که رژیم تهران در بسیاری موارد سیاست خارجی خود را با آنها همسوز کند، ولی در عوض عراق و دیگر اعراب نزدیک، به رغم قرابت دینی و نزدیکی جغرافیائی سیاسی می بايست بیش از دیگران گزندندندان ماری سمی به نام رژیم اسلامی را حس کنند.

البته در حالی که اسلام خمینی برای هیچ کشوری در جهان بشارتی نداشته است، خونین ترین نمره را در کارنامه خود، در ادامه جنگ با عراق گذاشت. تاکنون هیچ کافر ایستاده مسلمان را بر خاک هلاک نیفتانده است که رژیم خمینی در جنگ با عراق، مردی که لباس روحانیت به تن داشت و پیش از آن که زما مسدار شوم می گفت حتی مگس را نباید بکشد چون مخلوق خداست، پس از آن که به قدرت رسید، خم به بیرون می آورد از اینک که جوانان و نوجوانان هزارها در خون می غلتیدند، نه تنها خم به بیرون می آورد، بلکه دستخوش لذتی شهوانی نیز می شد. خمینی، هنگامی که می گفت "اسلام خون تازه می خواهد" از فرط

لذت لب های خود را می لیسید. "خداوندگارمگسها" در فاصله های کوتاه خود را قاتل هزاران هزار انسان نشان داد. چه آنها که زیر تیغ دژخیمان رژیم و جان دادند و چه آنها که در جبهه های جنگ بر خاک هلاک افتادند و همچنان می افتند.

در باره این جنگ فقط آنچه گفته میشود و با مبالغه گفته می شود، خسارات مادی است، تلفات جانی آن را، مناسبتا مین سلاجهای آن را، همچنان از مردم مکتوم نگاه میدارند.

نه تنها اطلاعاتی در این باره به مردم نمی دهند، بلکه حق سؤال کردن نیز برای هیچکس، حتی نمایندگان مجلس خودشان، قائل نیستند. میرحسین موسوی یک ساله و نندی پیش گفت که یکی از راه های موفقیت حکومت تهران این است که اطلاعات و اخبار را به وفور در اختیار همگان قرار می دهد، حال آنکه نه از راه افشا کرده نه موفقیتی بدست آورده است. از یکسال و نندی پیش تاکنون رژیم اسلامی در راه دروغ و دروغی بیشترتی به مراتب بیشتر کرده و فاصله ای در از پشت سر گذاشته است. و این در حالی است که رژیم تهران باید سرانجام برای مردم روشن کند که از موفقیت چه می فهمد، به هر حال، دروغ های رژیم را باید خوار و خوار اندازه گرفت و موفقیت های ایشان را مثقال مثقال.

بیش از این دستوری (= اجازت) گفتار نیست بعد از این با گفت و گویم کار نیست اما در خلوت یک یک امیران را جداگانه پیش خود خوانند و گفت هر یک را "به دین عیسوی تائب حق و خلیفه من توی وان امیران دگر، اتباع تو کرد عیسی جمله را شیاع (= پی روان) تو مرا میری کوکشد گردن بگیر یا بکش، یا خودمی دارش اسیر لیک تا من زنده ام، این وامگس تا میرم این ریاست را مجو اینک این طومار و احکام مسیح یک به یک بخوان تو بر امت فصیح... هر یکی را او یکی طومار داد هر یکی ضربه زد بر بود، المراد متن آن طومارها بدخلف چون حرف آن جمله، انات الف... پس از این فتنه انگیزی، چهل روز دیگر به خلیفه بنشست و آن گاه خود را بکشت، مردم چون از مرگ وی آگاه شدند شور قیامت برپا شد و نما خلیفه برگورا و گرد آمدند و خاک تربت او را بر سر خویش ریختند و از آن پس بود که فتنه و اختلاف و جنگ خانگی میان مسیحیان آغاز شد. خلیفه از امیران خویش پرسیدند که کسی با پدیده جای وزیر بنشیند؟ هر یک از امیران دعوی جان نشینی وی کردند و به جنگ با حریفان برخاستند؛ هر یکی را تیغ و طوماری به دست درهم افتادند چون بیلان مست صدهزاران مرد ترساکشته شد تا زسرهای بریده پشته شد... تخمهای فتنه ها کوه کشته بود آفت سهرای ایشان گشته بود...

* یکی از راه های صید پرندگان آن بوده است که صیاد در گوشه ای می نشسته صدای آن مرغ را تقلید می کرد و بدین حيله مرغ را در دام می آورد. مولانا خود در جایی دیگر بدین معنی اشاره کرده است: چون بسی ایلیس آدم روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست زان که صیاد آورد بانگ صیاد تا فریبدم مرغ را آن مرغ گیر بشود آن مرغ بانگ جنس خویش از هوا آید، بیا بدام و نیش

اول ای جان، دفع شرمش کن و آنکه در جمع گندم جوش کن... گرنه موشی دزد در تبار ماست گندم اعمال لعل ساله کجاست؟ ریزه ریزه صدق هر روزه چنان جمع می نیاید در این انبار ما؟ پس از بیان این تمثیل و آوردن یکی دو حکایت دیگر مولانا با زیر سر سخن می رود و گوید آن وزیر گرفتار رشک و حسد بود، گوش و بینی را به باطل برپا دادا بدین امید که زهر حسد و بیزجان مسکینان بی گناه رسد؛ هر کسی کوا ز حسد بینی کند خویش را بی گوش و بینی کند

بینی آن باشد که او بویی ببرد بویی، او را جانب کویی ببرد هر که بویش نیست، بی بینی بزد بوی آن بوی است کان دینی بود ما حبلان فکروز بر آ دریا فتنه بودند و احساس می کردند که سخن او خالی از غرض نیست، اما عاقله مردم طوق طاعت وی را به گردن گرفته بودند؛ هر که جز آگاه و صاحب دوق بود گفت او، در گردن او، طوق بود مدت شش سال در هجران شاه شد وزیر اتباع عیسی را پناه دین و دل را، کل بدو سپرد خلق پیش امرونی و می مُرد خلق در این میان وزیر شاه نصرانی کش در نهان بیخامها داشت و روزی بدو نوشت اکنون وقتی است که در مساز بودند و هر سبط را امیری بود و همه گوش به فرمان وزیر داشتند، وزیر برای هر یک از سبطها طوماری ساخت و در هر طومار حکمی به خلاف طومار سبطهای دیگر داد و اختلاف در میان ایشان پدید آمد، آری او ز یک رنگی عیسی بو نداشت و زمزاج ختم عیسی خوند داشت

جامه صدرنگ از آن ختم صفا ساده و یک رنگ گشتی چون صاف نیست یک رنگی کز او خیزد ملال بل مثالی ما هسی و آب زلال گرچه در خشکی هزاران رنگ هاست ما هیان را با بیبوست جنگ هاست آن گاه وزیر برای مزید کمرا هی ایشان فکری دیگر انگیخت، مدتی وعظ را قطع کرد و به عنوان ریاضت در خلوت نشست و از مردم روی پنهان کرد. مریدان از او درخواستند که خلوت را بشکند و وعظ و ارشاد آنان را از سر گیرد. اما وی زیر بار نرفت و چنین فرامود که ایمن گوشه نشینی امر عیسی است؛ که مرا عیسی چنین پیغام کرد که همه یاران و خویشان باش فرد روی در دیوار رکن تنها نشینن و ز وجود خویش هم خلوت گزین

مثنوی و کلیله

تأثیر روش و داستان های کلیله و دمنه

گفت: ای شه گوش و دستم را بپوش بینیم بشکاف و لب، در حکم مُر (= به ظفیل) بعد از آن در زیر در آور مرا تا بخا هدیک شفاعت گسر مرا آن گم از خود بران تا شهر دور تادرا نذازم در ایشان شز و شور وی در شرح نقشه پلید خویش به شاه گفت: چون چنین کردی من خواهم گفت که من در نهان نصرانی بودم، شاه از ایمان من آگاه شد و قصد جانی نمود. من خواستم تا ظاهر به هم دینی با وی کنم اما او پیش از آن بویی از اسرار من برده بود و گفته مرا با ورنکرد، و اگر لطف و عنایت حضرت عیسی شامل حال من نشده بود، وی مرا پاره پاره کرده بود. بدین ترتیب وارد جمع ایشان می شوم و اعتمادشان را به خود جلب می کنم. آن گاه نقشه خود را به اجرا در خواهم آورد. کردبا وی شاه آن کاری که گفت خلق، حیران مانده زان مکشفت راندا و راجان نصرانیان کرد در دعوت شروع او، بعد از آن... صدهزاران مرد ترسایوی او اندک اندک جمع شدند و کوی... او به ظاهر واعظ احکام بود لیک در باطن صفیرو دام بود... دل بدو دادند ترسایان تمام خود به با شد قوت تقلید عام در درون سینه مهرش کاشتنند تا بیب عیاش می بنداشتنند در این جا مولانا داستان وزیر را رها می کند و یکی از تمثیل های بسیار زیبا و زنده و موه تر خویش را می آورد: صدهزاران دام و دانه است ای خدا ما جو مرغان حریص بی نوا دم به دم ما بسته دام نوییم هر یکی، گربا زوسیم مرغی شویم می رهانی هر دمی ما را و باز سوزد می می رویم ای بی نیاز مادر این انبار گندم می کنیم گندم جمع آمده گم می کنیم می نیندیشیم آخر، ما به خوش کاین خلل در گندم است از یکرموش موش تا انبار ما حفره زده است و زفتن انبار ما ویران شده است

نامه‌ها و نظرها



با تمام با نستی از نامه‌ها و سوخته‌های خوانندگان برای فقط برای منکس کردن نظرات و عقاید و سرد است‌های خصی نویسدگان نامه‌هاست و لزوماً به معنی موافقت و هم‌راستی ارگان مرکزی نیست مقاومت ملی ایران با مفاد همه این نوشته‌ها نیست. از نویسندگان نامه‌ها تقاضا می‌کنم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود نامه‌ها و نظراتشان نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اشخاص و گروه‌ها هتک حرمت شود و یا عفت و سزگوارای قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

نامه‌ای برای قیام ایران

شریک نوش و نیش

هموطنان عزیز که وظیفه‌ای در اجرای برنامه‌های صدهای آمریکا دارند گاهی می‌توانند با خاندان‌های متوسل انجام می‌دهند که با معرفی ایشان به عنوان یک کارکنان امور ایران متوسل می‌شوند اما حقیقتاً از آمریکا پخش می‌شود از جمله بحثی که در شب‌های ۲۲ و ۲۳ نوامبر پخش گردید.

به عنوان یک ایرانی که به عقیده خود همیشه به وطن خود عشق ورزیده است و به همین علت مثل گروه بسیار رکتیسی‌ها نخواست از ایران عزیزش فرار کند و عقیده داشت که باید در تلاش و نیش با هموطنانش شریک باشد و در ایران ما نام من و گروهی که با من همکاران در امر اعتقاد دارم کسی می‌تواند کسی با بد حاکم‌ها و مردم ایران نسبت به هیئت حاکمه فعلی اظهار عقیده کند که این سال‌های اخیر را در ایران بوده و با مردم این سرزمین مخلوط با دشمنان که از لایه‌های روزنامه‌ها و اخبار خبرگزاری‌ها و با لایه‌های هم‌نشینی با عده‌ای که خودشان سال‌ها است از این مملکت بدور می‌باشند با دردها و خوشی‌ها - اگر خوشی باشد - آشنا شده‌اند. برای اینکه شما هموطنان عزیز مجریان بر نامه‌ها را امریکایی سرکار خانم شیرین‌ها نترس بهتر بتوانید در مورد نوشته‌ها و مقایسه کنید ضروری می‌دانم که خود را قیام‌مندی کنیم. من قبل از انقلاب سال‌ها مشاغل تقریباً مهم‌ها شده‌ام (به همین علت مشمول اصل ۴۹ قانون اساسی فعلی هستم) و تا آنجا که بر این مقدور بوده به عقیده خودم و نزدیکانم همکارانم در مصداق‌های متعددی شده‌ام و از رزق تعیین شده بوسیله مذهب (البته اسلام قبل از ۱۳۵۷) سعی کرده‌ام قدمی از اینطرف و آنطرف نگذاشته باشم بنا بر این امروز اگر براساسی بخوانم شعایر مذهبی را پیدا می‌کنند از آنجایی که خودم خدا را نا کرده تصور نکنید من و همکاران من و اکثری که قریب با تفاسیر ایرانیان با این دولت مخالفند و اینک میخواهند مذهب را پیدا کنند. دولتیان در این مورد هم بدین دروغ می‌گویند و نشاء الله در این مورد با شما صحبت خواهم کرد.

همسند می‌خواهم بدینجا بگویم که شما هم‌آوردند تا مردم این کشور در این انتخابات آزادانه رأی بدهند و در میان این انتخابات انجام می‌گیرد و این انتخابات را که دولت تعیین کنند. ما برای این همه پرسه‌ها از شما و سایر مردم از دانش دنیا کمک می‌خواهیم چون در اینجا فقط در اطاق‌های دربسته و با دوستان مدرسه شناخته شده می‌توان از نبودن آزادی و با خیال شدن حقوق مردم و وضع نیکبختی آنان صحبت کرد. گرچه امروز مردمی که در میان و گوشت و نفت و بنزین و سایر مایحتاج عمومی هستند بی‌تفاوت در داخل اتوبوس‌ها بعد از ساعت‌ها معطلی چیده‌اند و در اتوبوس‌ها محال است که کسی را در آنجا در مملکت حتی مقام رهبری ناساز می‌گویند، ولی چنانچه آن‌ها احساس کنند که این افراد را از این مملکت است متذکر شوند همه آن‌ها را جلای می‌سلسل قرار خواهد داد. همین نام‌ها که نمی‌دانند دست شما خواهد رسید یا خیر و برای آنکه شما نسرسیدنش را از یاد بکنم آنرا مکرر کرده‌ام و از نقاط و مناطق مختلف پست خواهم کرد اگر نویسنده آنرا شناسایی کند بدون هیچ گفتگویی اعدایش خواهند کرد یعنی من از آن خودم به می‌گذارم و مرا خواهد بخشید اگر با اسم مستعار آنرا امضاء خواهم کرد چون عقیده دارم هنوز می‌توانم برای راهی مملکت مفید واقع شوم و دست‌ها را بکنم.

چرا من و سایر مردمی که مثل من فکر می‌کنند از نتیجه یک همه‌پرسی آزاد از پیش مطمئنیم؟ با تکه‌ها را با خود خوانده که دختران شما را با سدا را در شب قبل از اعدام به عنف با آنها تاج و زکرده‌اند (در مذهب این آقایان اعدام دخترها که در آنجا است) و روز بعد شیرهای این ولایت را همراه با خیر اعدایشان یکجا با آنها دادند و در آنجا هرنوع نظر هروسوگوارشان هم شده‌اند. با تکه‌ها را در هر روز از آن‌ها که فرزندان را صرفاً "بعثت‌داستان افکار خاص بدون هر محاکمه" - سدا را در برابر جوخه آتش قرار دادند و در آنجا در این هیج ناموشن در محلی بنا مگر آباد دفن کردند.

با تکه‌ها را در هر روز از آن‌ها که فرزندان و عزیزانشان را در یک جنگ بی دلیل از دست داده‌اند و در آنجا هرنوع عسزاداری برایشان شده‌اند در آنجا لیکه می‌گویند برای شهداء کربلا تا میتوانید تورا خود بسزید و گریه کنید.

با تکه‌ها را در هر روز از آن‌ها که بی دلیل عزیزانشان را از خاکی‌ها - لاجوردی‌ها - گیلانی‌ها - ریش‌ریها اعدام کردند و اموالشان را مصادره کردند و آنرا تراساز هستی ناقص کرده و به گداکی و آوارگیان کرده‌اند.

با تکه‌ها را در هر روز از آن‌ها که فرزندان را برای امکان ادا می‌توانند بدون مجوز از مملکت گریخته‌اند و آواره‌ها را که دیگر شده‌اند و گروهی از آن‌ها بعنوان پناهنده ساجویی دریافت می‌کنند و لای اکثرشان از طرق مختلف حتی فحشاء ناچارند زندگی کنند.

با تکه‌ها را در هر روز از آن‌ها که هم‌وقت خودشان را در میان و گوشت و نفت و بنزین و سایر مایحتاج زندگی سپری میکنند و سپس از چند ساعت صرف وقت امکان دردموفق بدینا فت‌آن هم نشوند.

راه قدس از کربلا است ولی امروز فهمیده‌اند که خیر، راه قدس از زوا سنگتن است و شیطان بسازد، و بسا اسلحه‌ها را نیکی با بدقتی را گرفت. و با لایه‌ها تک‌تک میلیونها نفر که رفاها و آسایش نسبی خود را فدای آزادی کردند و متاع سفاهت آنرا نیا فتند.

مجریان محترم بخش فارسی صدای آمریکا و خانم شیرین‌ها نترس، تصور نکنید ما در انتظار این انتخابات عمر خودمان را سپری خواهیم کرد و خبر ما مصممیم که حکومت را دگرگون کنیم و هم‌اکنون در گوشه و کنار اجتماعات محرماتنه تشکیل می‌شود که ما با آنها هسته‌ها و مت می‌گوئیم و برای حفظ امنیت اعضا هر هسته‌ها زجا ریای پنج نفر تشکیل می‌شود و منتها هر عضو هسته موظف است لا اقل یک یا چند هسته دیگر تشکیل دهد (بر حسب قدرت و توانائی و از خودگذشتگی)

اعضای هسته‌ها می‌توانند هم در تغییر حکومت متفق العقیده هستند و با تبلیغات گسترده خود فعالیت همه‌جانبه مشغول منزلزل کردن پایه‌های حکومت آخوندی می‌باشند. گروهی از هموطنان شما که من هم یکی از آنها هستم علاوه بر آنکه در منزلزل کردن پایه‌های حکومت آخوندی لحظه‌ای غفلت نمی‌ورزند بلکه بفر فرادای ایران عزیز نیز می‌باشند فردائی که آخوندها در برابر برشت‌های گره کرده ملت فرا را برقرار ترجیح خواهند داد. اینان یک حزب سیاسی مترقی را در چهره رچوب قانون اساسی

۱۳۵۵ با تکه‌ها را در هر روز از آن‌ها که در این زیرزمینی خود را با نام حزب زیرزمینی مردم زاده ایران مدت‌ها است آغاز کرده‌اند و با شکر در راه خود بسزید و به اتکاء سایر نیروهای وطن پرست موفق گردند.

در پایان از شما جوانانی که در بخش فارسی صدای آمریکا فعالیت دارند و میدانی‌ها که به وطن خود عشق می‌ورزند و شما سرکار خانم شیرین‌ها نترس و ایرانی‌های مقیم خارج که امکان دارد این نوشته‌ها بدستشان برسد به مسئولین دولت‌ها خصوصاً "دولت آمریکا و انگلستان که در به قدرت رسیدن آخوندها سهم‌بزائی داشته‌اند را در هدیه که بپوشیده سعی در نگاه داشتن حکومت آخوندی حتی از نسوع متعادلش ننماید و مطمئن باش که اگر وطن پرستان موفق شوند، ایران فردا خوراک خوبی برای همسایه‌های شمالی ما خواهد بود. زنده باد ایران با پنده‌ها و پرچم شیر خورشید سرنگ ایران برقرار با حکومت آزادی در چهره رچوب قانون اساسی. حزب زیرزمینی مردم زاده ایران (آفتاب) - تهران

پاسخ به یک خواننده

خواننده گرامی من، بیوسخی در پاسخ به نامه مورخ سیزدهم آذرماه نویسه شما یادآور می‌شوم که نویسنده ما آقای بهزاد از روشی خصوصی خودبخش‌ها را از مصالحه‌های آیت‌الله خمینی را در مقابل "مرگ خمینی گری" (قیام شماره ۱۸۰) آورده است. شما، برای بدست آوردن اصل آن مصالحه‌های انا ره‌شده که خوشبختانه من در نشریه‌ها ریخ‌نشان را در مقاله آمده است میتوانید به وسیله مکتوبه‌ها روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها یا نامه‌ها به ذکر موضوع مصالحه‌ها ریخ‌نشان به دریا فت‌کی اظهارات آیت‌الله خمینی موفق شوید.

با تقدیم مراتب احترام

حقانیت راه

سلام حضور شورای محترم نویسندگان سلام گرم من برای همه عزیزانی که در کار تهیه و توزیع قیام ایران می‌کوشند. از این همه صداقت و راستی و دل‌نشینگی سخنان لذت می‌برم و به شوری آیم. از این همه عشق به میهن و ملت که در هر سر کلامتان خانه کرده است دلها بیام زنده می‌شود و امیدهای ما بیام به امید بدل می‌شود. با ورن کنید که دوستان و آشنایان فراوانی دارم که با این مدتی و وفادار نهضت مقام ملی و قیام ایران اند. این دوستان طی چندسال دیده‌اند که کبر سرقول خود ایستاده‌اند و ونا سزا بکار نبردند و آنچه کردید و می‌کنید همه در راه

راهی وطن اسیر و هموطنان آواره و دربند است. این همه شکست‌های در سخت‌ترین روزها دلیل بر حقانیت راهی است که در پیش گرفته‌اید. موفق می‌شوید، زیرا ایرانی هستی و پیرانان فهمیده‌اند جز سخن راست و بی غل و غش نمی‌گویند.

سپهر داد صالحی - آلمان غربی

وظیفه ملی زنان

با استقرار رژیم سوم و مصیبت آفرین استبداد دینی در ایران ظلم و بیبیداری همه، از زنان و مردان و کودکان رفته است، ظلم و بیبیداری که اگر یک روز گزارش لرزاننده آن بر صفحات تاریخ ثبت شود بزرگترین ایلغارها و قتل‌عام‌های تاریخ را کمرنگ خواهد کرد.

علاوه بر این رژیم شیطان‌ها ما مدر و غوغو در دهه هفتم زقرن بیستم بودا شته‌ها و خرافه‌های قرون وسطا و پیش از آن را به کار مملکت‌داری گرفته‌اند و آن میان، اعتقاد دسیه و تحقیر آمیز نسبت به زنان، پس از هشت سال برقراری حکومت آل‌لکه به سبک خمینی، چنان ظلم و بیبیداری بر زنان آورده است که شرح آن در این حوصله نمی‌گنجد.

ما، زنان ایرانی که در هر حال و بسا دشواریهای بسیار به خارج از وطن آمده‌ایم وظیفه داریم لحظه‌ای ساکت ننشینیم و با زمانها و انجمن‌ها و مراجع بین المللی را، در هر کشوری که آنجا آواره شده‌ایم، در جریان قوانین و مقررات و اقدامات که بر طبق آنها زنان ایرانی محجوب، بی‌عادل و نابالغ و مطرودجا معشورده شده‌اند بنگاریم. این وظیفه ملی زنان ایرانی است تا افکار عمومی دنیا را با کوشش آتشکند که شهادت زنان را در بسیاری موارد مردود میداند، زنان را قابل سنگسار و طرد از آبادی می‌شناسد و در یک کلام هرنوعی را لانه و کاشنا بیگ شیطان پلیدی انگازد.

به امید پیروزی - آزاده ورعی آلمان غربی

روبه صفتان

من یک افغانی هستم که از سال ۱۳۶۴ به قصد مبارزه با اشغالگران وطن را ترک کردم. نخست به ایران رفتم اما در آنجا متوجه شدم رفتار مقامات و مسئولین جمهوری اسلامی با مهاجرین افغانی غیر انسانی و برخلاف موازین اسلامی است. با سدا را ان انقلاب اسلامی در افغان‌های مهاجرین دشمن نگاه می‌کنند و هر روز شاهد بدبوم که گروهی از مهاجرین بی‌پناه افغانی را از مرز به آسومی گذرانند. از این روی در ماه حوت ۱۳۶۴ ایران را ترک کردم و به هندوستان آمدم و در آنجا کشور "قیام ایران" آشنا شدم. بدین معنی ما مله‌ها یسد بگویم که در آنجا سوا قیامت جز به راستی نظر ندرید و از نوشته‌ها بی‌توان بوی صدق می‌آید.

در مدتی که در ایران بسر می‌بردیم و بسا تماشا روزی که با برای دران افغانی‌ها دارم، هر وقت صحبت ایران به میان می‌آید، همه ما می‌رازان افغانی‌ها تردیدی نداریم که مسئولین جمهوری اسلامی صدق و صفا ندارند و آنها برخلاف آنچه که به زبان می‌آورند عمل میکنند. این گروه اسلام را بهانه و دکان حکومت قرار داده‌اند و با بی‌تداری و بی‌توجهی تاکنون هر وقت مصالحه‌ها فحشان اقتضا کرد چنین کردند. در این شرایط برادران عزیز، وظیفه شما سنگین است. با بدیه هر طریق و از هر راه، این گروه بی‌ایمان را افشاء کنید و خلافت را بهای آنها را بر ملا سزید. این کار را می‌بینیم که در "قیام ایران" انجام می‌دهید، اما کارهای این روبه‌صفتان مزورها را رودا رد که شما برادران باید با صبر و تحقیق و حوصله رسوایشان سازید. شما را به خدا وند متعال سپرده‌ام و از روی موفقیت برایتان دارم.

دهلی نو - سید روح الله شاه احمدی

جمهوری اسلامی رژیم حرف

بقیه از صفحه ۳

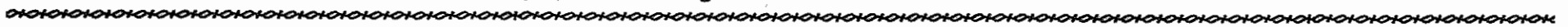
موتی از قول خمینی نقل می کنند که وقتی عده ای از مسئولان مملکتی به دیدنش رفته بودند او زلفش را در دست گرفت و گفت: جنگ با او صحبت کرده بودند، با این عکس العمل خمینی مواجه شدند که گفته بود: "جنگ تا موقعی که من زنده هستم با ایداد مایه پیدا کند، پس از مردنم خودتان می دانید." درحالیکه واقعات روزبه روز تلخ تر و روشن تر می شود رژیم روزبه روز پیله بی را که از نوا و بی خبری و ندادن کار به دور خویش تنیده پیچیده تر می کند، درحالیکه مشکلات مالی و اقتصادی عملاً مملکت را فلج کرده است، درحالیکه مردم در عسرت و تنگدستی و فقر روزگسار می گذرانند و میزان جراثیم و جنایت روز به روز روبه افزایش است، رژیم زهر موقیعتی استفاده می کند تا با حرف سر مردم را گرم کند و دستاورد های موهوم و غیر واقعی را به دروغ به عنوان بزرگ ترین موفقیت های رژیم تحویل آنها بدهد. یک نمونه از این دست را می توان رسوایی سفر مک فارلین و تحویل سلاح از آمریکا و اسرا تیل دانست که رژیم به زور خفه کردن مداهانی که خواها ن حقیقت ما جرا بودند، کوشید تا در رسانه های تحت انقیادش آنرا به عنوان یک پیروزی جا بزند! نمونه ای

دیگر از اینگونه رفتار رژیم ، موضع گیری آن در قبال کنفرانس اسلامی است که قرار است سه هفته دیگر در کویت تشکیل شود. رژیم که میدوار بود طی آنها جم کر بلای ۴ به عمق خاک عراق نفوذ کند و از طریق پیروزیهایش فضای کنفرانس اسلامی را زیر سلطه بگیرد، پس از شکست این تهاجم مصمم شد که در کارکنفرانس اخلال کند. اما در همین زمینه نیز موفق نبوده است. خامنه ای در نماز جمعه روز نوزدهم دیماه موضع بسیارضعیفی داشت و تهدیدهای یک هفته پیش ایران را بدل به خواهش دواستانه کرد و عاقبت به این امر گردن گذاشت که اگر کنفرانس در کویت تشکیل شود، "جمهوری اسلامی ایران هیچیک از مصوبات و مقررات آنرا به رسمیت نخواهد شناخت." موضع خامنه ای در قبال توجیه حمله کر بلای ۵ که روز هجدهم دیماه صورت گرفت از این هم رقت با رت بود. رئیس جمهور رژیم خمینی حمله اخیر را به قصد آن دانست تا به جهان نشان دهد که جمهوری اسلامی هنوز قداست ضربه های اساسی به عراق وارد آورد. آنجا که خامنه ای نسبت به توفیق تهاجم کر بلای ۵ نا مطمئن بود، از همان ابتدا حدود

نیات و اهداف آنرا کوتاه گرفت تا مثل کر بلای ۴ اسباب سرشکستگی رژیم فراهم نیاید. واقع آنست که بخشی کوچک از نیروی ضربه نخورده ای مربوط به حمله کر بلای ۴ صرفاً " برای پرده پوشی شکست قبلی به سوی مرگ رانده شدند. این نیرو که در شلمچه مستقر بود، قرار بود که همراه نیروی مستقر در آبادان در سه محور عراقی ها را عقب براند و به بصره برسد. از این سه محور، محور اولی در ام الرصاص تا "نا بود شد حتی یک تن از ایرانیان زنده برنگشت. نیروی مستقر در آبادان با بمباران شیمیایی از کار افتاد. بقایای این نیروی صد هزار نفری، در کر بلای ۵ بسیج شدند. برغم آنکه حرکت سیاسی رژیم در تغییر محل کنفرانس اسلامی از کویت به یک کشور دیگر (مثلاً پاکستان) در رسانه های خارجی با معیارهای واقع بینانه ارزیابی می شود، اما تبلیغات رژیم در داخل کشور که با کمک تمام وسایل و امکانات صورت می پذیرد، چنان است که گوئی اساساً "جمهوری اسلامی موفق به تغییر محل کنفرانس اسلامی گشته است. حتی روزنامه کیهان طی حرکتی سیاسی با بقیه در صفحهاول خود کاریکاتوری چاپ کرده که کویت را حرم جنگی و درینا صد احسین نشان می دهد. طبیعی است که در حمله تبلیغاتی جمهوری اسلامی، کویت در موقعیت دشواری قرار گرفته است. تغییر محل کنفرانس به منزله پذیرش کویت به عنوان یک منطقه جنگی خواهد بود. بگذریم از آنکه جمهوری اسلامی با عمل خود توانسته شکاف

بین کشورهای شندرومیانه و منطقه را با رزترکنند و آشتی بین عراق و سوریه از یک طرف و سوریه و مصر از طرف دیگر را غیر ممکن سازد. این شکاف، در نهایت به سود اسرا تیل تمام میشود که از وحدت و یکپارچگی اعراب همواره بیمناک شده است. در حالی که در داخل مملکت، به علت ورشکستگی های مالی و اقتصادی، ویرانی های ناشی از جنگ، تورم مهار گسیخته، فساد و رشوه خواری، نا امنی و تزلزل رژیم با چوب زیر بغل خود را بر سر پا نگه داشته، آنچه در مورد کنفرانس های بین المللی و خارج از ایران تبلیغات می شود کوششی است برای حفظ پرستیژ و لاف دروغی. این لاف در مورد کنفرانس اوپک، در مساله ارسال اسلحه به ایران، در ماجرای جنگ داخلی لبنان و بیتا زگی در تغییر محل کنفرانس اسلامی مصداق روشنی میباید. در حالی که رژیم از هرگونه عملی که رفا و آسایش مردم را در پی داشته باشد تا توان است، از راه حرف و دستاویز قرار دادن شعارهای واهی و تبلیغات دروغ بر آنست تا به اصطلاح براعتباروا همیت خود در جهان اسلام تکیه کند و از این طریق دهان مخالفان را ببندد. به چشم مردم ایران خمینی به نا خدای بی خردی میماند که از کشتی شکسته اش غافل باشد و در همان حال رسالت خود را نجات مایه ها از غرق شدن بداند!

۵ ژانویه ۸۷



جنگ بی امان قدرت

قتل و حذف و تصفیه چهره های درجه اول انقلاب اسلامی مثل آیت الله بهشتی، ها شمی رفسنجان را به صفا اول و به پیش صحنه راندند و ای به صورت مرد شماره ۲ رژیم جمهوری اسلامی در آمده است. ها شمی از ریاست مجلس بعنوان نخستین برشی استفاده کرده است. نقش او به عنوان داد و در مجلس به وی امکان داده است که در بر خورد ها و جنگ قدرت ها در مجلس با لای سربقیه قرار گیرد، اما از او خرمهر ما گذشته جنگ بر سر جانشینی خمینی وی را بصورت رقیب اصلی آیت الله منتظری جلوه گراست.

منتظری جانشین موعود خمینی، برای محکم کردن موقعیت خود فعالیت های میان روهائی چون مهدی بازرگان و نهضت آزادی را زیر پوش خود گرفت. به توصیه منتظری، میر حسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی تا آنجا پیش رفت که از تبعیدیان ایران در خراسان خواست به کشور بازگردند، اما تندروهای رژیم بخصوص خوشبینی ها این طرح را نقش بر آب کردند.

مضروب ساختن بازرگان و دوستانش در بها رگدشته به عنوان هشدار به منتظری تلقی شد. ما هنا مه عربی این چنین ادامه میدهد: از رفسنجان تا خوشبینی ها هر کس دستش به قدرتی بند بود از در مخالفت با منتظری در آمد، استدلال آنها بسیار ساده است: هر چه منتظری ضعیف تر باشد بعد از خمینی آسان تر میتوان او را کنترل کرد. کاش نفوذ منتظری بعدی رسید که در سپتامبر گذشته را دیوی جمهوری اسلامی قسمتی از سخنان سیاسی او را نسور کرد.

ما هنا مه عربی می افزاید: بدون تردید وضع جبهه های جنگ با عراق نبردهای داخلی جمهوری اسلامی را شدت خواهد بخشید. رژیم تهران با وجود وعده های زیادنتواست حمله سر نوشت از علیه عراق را در پستان گزیده است. خمینی در زمستان گذشته طی فتوایی از همه خواست که به جبهه ها بروند هدف وی تشکیل ارتش یک میلیونی بود. اما این طرح به شکست

ها شمی رفسنجان در حملات خود به منتظری و طرفیان او بدون تردید از اجماع است احمد خمینی که به شدت از او عصبانیت پذیرش وحشت دارد، برخوردار است. البته بدون حمایت شخص خمینی، ها شمی رفسنجان و احمد خمینی نمی توانستند به حمله علیه منتظری دست زنند. عوامل چندی باعث شد که خمینی از جانشین موعود خود فاصله گیرد. از جمله کشف اسلحه در هنگام مراسم حج از هشتاد و شش نفر جمهوری اسلامی. این اسلحه توسط مهدی ها شمی به آنجا داده شده بود. این موضوع هنگامی که خمینی سعی داشت روابط جمهوری اسلامی را با عربستان سعودی بهبود بخشد، به هیچ وجه خوشایند نبود.

رفسنجان در کسب و انحصار قدرت از سال ۱۹۸۱ وارد حوزه اختیار سید علی خامنه ای رئیس جمهوری نیز شد و بخصوص در سیاست خارجی به سفرهای دست زد که اصولاً با بیدیه وسیله، خامنه ای انجام میدهد. اما رفسنجان با بازی خطرناکی در پیش گرفته است. برخلاف آیت الله بهشتی نخستین دبیرکل حزب جمهوری اسلامی که با عضو گیری برای حزبش در سران کشورهای حومه سعی داشت با بهای فرمان روایی خود را گسترش بخشد، رفسنجان با بازی بگا هر واقعی بی بهره است، و گویا حمایت خمینی و یک رشته ما نوره های سیاسی به موقعیت امروز رسیده است. ائتلافی از تمام تاملات سیاسی را در مقابل خود دارد. ما نند مذهب یونی که نمی پذیرد حجت الاسلام در سطح رفسنجان، مرجع تقلید و ولی آن ها گردید، گروهی از نمایندگان مجلس به رهبری احمد کاشانی که با سیاست نزدیکی با فرانسه مخالف هستند، و از حامیان ارگان دست راستی خود، روزنامه رسالت برخوردارند و از دامنه جنگ تا پیروزی طرفداری می کنند و همچنین بخشی از سپاه پاسداران بخصوص

انجام مید، رفسنجان خود تلویحا "بدین شکست اعتراف کرد. در ماه اکتبر یک میلیارد نفر، از بسیج تنها یکصد هزار نفر سخن گفت.

ما نوره ای رفسنجان

رفسنجان که پی برده است جمهوری اسلامی قادر به کسب پیروزی نظامی نیست، راه حل جنگ را در کنار رفتن مدام حسین رئیس جمهوری عراق یافت. سعی کرد با کمک سوریه، متحدان عراق را از بیاری دادن به این کشور منصرف کند. رفسنجان حتی گفت در صورت کنار رفتن مدام حسین رژیم تهران از تحمیل یک رژیم اسلامی به عراق خودداری خواهد کرد. اما این نقشه جانی نرسید، عربستان سعودی و بخصوص بخشی از هیئت حاکمه آمریکا معتقدند که در صورت سقوط عراق، هیچکس در ایران نمیتواند جلوی فتنه انقلاب اسلامی را در منطقه بگیرد.

ما هنا مه عربی، سپس به ما جرای مهدی ها شمی و مخالفت وی و داروستانه اش با سیاست نزدیکی به آمریکا می پردارد و می نویسد: طرفداران مهدی ها شمی، آیت محمد موسوی که ردا سوریه را که متهم به توطئه علیه منتظری و تلاش برای خاتمه دادن به جنگ بود روز سوم اکتبر گذشته ربودند. در این میان دستگیری برادران ها شمی، به عنوان پیروزی ها شمی رفسنجان پیشمار رفت، وی با یک تیر دو نشان زد: منتظری را تضعیف کرد و سعی کرد به آمریکا نشان دهد که قدرت در ایران در دست او است. حتی آنرا در گردن دیوید جا کوبسنگرگان آمریکا کتی، اگر چه در مقابل دریافت اسلحه از آمریکا بود ولی از همین منطق سرچشمه می گرفت: که آمریکا بفهمد، رئیس، رفسنجان است.

در درجات پائین تر آن که نمی خواهند انقلاب خود محروم شوند. از سوی دیگر ها شمی رفسنجان با بدبهر حال جواب گوی سیاست نزدیکی با آمریکا باشد. رفسنجان به علت همین سیاست با مخالفت های فزاینده ای روبروست. در دادگاه ها، در جبهه های جنگ، در مجلس و در همه جا بحث و جدلها، بر سر این موضوع ادا مدها دارد. و در آن ماه چیزی نمانده بود که در شنجویان خط امام سفارتخانه های عربستان سعودی و کویت را اشغال کنند. آنها طرفداران نزدیکی با آمریکا یعنی رفسنجان، احمد خمینی و صادق طباطبائی را به شدت مورد حمله قرار میدهند و بعضی از آنها حتی شخص خمینی را متهم می کنند که با این تماس ها موافقت کرده است.

ما هنا مه عربی - شماره اول - ماه ژانویه ۱۹۸۷

شکست مذاکرات

بعدا عتقا دمطوبعات فرانسه و ناسران سیاسی، مذاکرات علی آهنی فرستاده جمهوری اسلامی با مقامات فرانسه به شکست انجامید. روزنامه فیگارو در شماره ۲۱ ژانویه خود نوشت: منازعه فرانسه و جمهوری اسلامی به بن بست رسید. دیگر روزنامه فرانسه لوماسن، از توقف جریان عادی شدن روابط دو کشور سخن گفت. وزیر امور خارجه فرانسه نیز طی یک سخنرانی تلویزیونی اعلام کرد که فرانسه فعلاً در نظر ندارد بقیه بدهی یک میلیارد دلاری خود را به جمهوری اسلامی بپردازد. در همین حال زاک سیراک نخست وزیر فرانسه، روز ۲۱ ژانویه به مدت کوتاهی علی آهنی را بحضور پذیرفت. روزنامه فیگارو در این باره نوشت: مذاکرات علی آهنی با زاک سیراک بسیار کوتاه بود.

بقیه در صفحه ۱۲

جنگ تمام عیار

به نوشته خبرنگاری فرانسه، پس از چند ماه آراش نسی، موج گروگانگیری اتباع غربی در لبنان، از سر گرفته شده است. این موج تازه، آدمربایی، با زداشت تروریست لبنانی، محمدعلی حماده در فرانسفورت، همزمان گردیده است.

روزشنبه ۲۴ ژانویه سه آمریکا و یک هندی تبعه آمریکا، طی عملیات نمایشی جهورانه‌ای توسط چهار تروریست که خود را به شکل ما-موران پلیس لبنان درآوردند، در دانشگاه آمریکا بیروت ربوده شدند. دولت آمریکا ضمن محکوم کردن این آدمربایی، خواستار آن گردید که هر چه زودتر گروگانها آزاد شوند.

آنچه در بیروت رخ می دهد، با منطقی که پایه تفهیم و تفاهت هم غربی را تشکیل می دهد، در تضاد با سر می برد. آیا می توان با قشویون دستا ربند که میا رهای چندین قرن پیش، ملک رفتار و ایما ن شان است از قوانین بین المللی سخن گفت؟

آیا می توان با تروریست ها و وحشت افکنان که ملایان بسه عنیبوان آموزگار به آن مسا آموزش می دهند که کشتن و مردن در راه خدا، مطمئن ترین جاده به سوی بهشت شمرده می شود، از انسانیت یا از حقوق بشر سخن گفت؟

زرقنای مساء له این است که جمهوری اسلامی مستقر در تهران و زائنده های لبنان نی آن، به غرب، اعلان جنگ تمام عیاری داده اند. آنها از غرب، از شیوه زیست آن، از کیش و آیین آن و از تسوان آن، نفرت دارند. از این روست که مذاکره با این مردمان تنبهار، کاری بی بروبار است. درست است، گسا می توان با مذاکره، چندگروگان را از جنگ آنان بیرون کشید، اما باید دانست که با هر امتیازی که آنان درازای آزادی یک گروگان به دست می آورند، بر توان و جسارت شان افزوده می شود. با آیت الله دیوانه که بر تهران حکم می راند به زبان دیگری با بدسخن گفت، و گرنه روزی، موجی که هدف اعلام شده آن، بنده ساختن تمدن مادر برابر امام غایبی ست که آنان چشم به راه وی هستند، ما را با خودخواهد برد. به این روای دیوانگسان نخدمیم. تاریخ بشر، از این روایها سرشار است، روایهایی که همواره به حمام خون می انجامد.

کوتیدین - ۲۶ ژانویه ۱۹۸۷

چهره يك

بقیه از کنفرانس

کوشیدتا جریا ن مذاکرات را زیرغرش توپخانه محوکنند و درعین حال سه سازمان زیرزمینی هوادار جمهوری اسلامی نیز اعلام کرده اند که در صورت برکناری کنفرانس به منافع کویت حمله خواهند کرد.

همچنین بدون آنکه رابطه مستقیم میا ن جمهوری اسلامی و قبا یعنی کهدر هفته گذشته درخا ورمیا نه رخ داده وجود داشته باشد، چهار آمریکا ئی و دو آلمانی به صفا اسیران بسه گروگان گرفته در لبنان بیبوستند. وسه سو صدنیسز در کویت کشف شد که حکایت از اقدامات خرابکارانه علیه کنفرانس اسلامی می کرد.

به گفته یک دیپلمات عرب، چه جمهوری اسلامی در کنفرانس حضور داشته باشد یا نه، وجه از آن سخن گفته شود یا بسه سکوت برگذا رشود، وزن این کشور بعنوان یکی از قدرتهای بزرگ و پسر جمعیت منطقه، برکنفرانس سنگینی خواهد کرد.

از سوی دیگر شرکت احتمالی پرزیدنت حسنی مبارک پس از شش سال غیبت از این کنفرانس نشان دهنده بازگشت مصر به دامن سازمان کنفرانس اسلامی است. به ویژه که مقامات کویتی علاقه



رد دعوت

در پی مداخله مستقیم رژیم جمهوری اسلامی ایران در امور داخلی ترکیه، کنان اورن رئیس جمهوری ترکیه بعنوان واکنش و اعتراض به حرکات و اعمال گستاخانه ایران، دعوت رسمی ایران را رد کرده و با زدید خود را از این کشور باطل ساخت و فرستاده مخصوصی از طرف نخست وزیر ترکیه برای آنکه به مسئولان رژیم تهران خاطر نشان کند که موضوع پوشش اسلامی در ترکیه مربوط به امور داخلی است به تهران رفت.

در اعلامیه های پخش شده از دیو جمهوری اسلامی که مستقیما از طرف دولت ترکیه شنیده می شود و همچنین در روزنامه های ایران و در این اواخر از طرف مدرسین حوزه علمیه قم همه روزه ترکیه و حکومت لائیک آن و رئیس جمهوری موردا تمام قرار میگیرند.

نخست وزیر، تورگوت اوزال با گسیل فرستاده مخصوص خود به تهران از نخست وزیر ایران دعوت کرده تا دربار او باط سیاسی فیما بین و اقدامات جمهوری

اسلامی توضیحاتی بدهد. معاون وزارت امور خارجه ایران سال گذشته ضمن مسافرت به آنکارا از رئیس جمهوری کنعان اورن بنا بدعوت رئیس جمهوری ایران خائنه ای، برای بازدید از ایران دعوت رسمی بعمل آورده بود و کنعان اورن این دعوت را قبول کرده بود ولی با توجه به جریانات و اوضاع و احوال اخیر کنعان اورن با زدید خود را از ایران فسخ و باطل نمود.

اظهارات ویبانات نزهت کاند میر سفیر کبیر ترکیه، در تهران و تاء کیدیر حساسیت ترکیه به رهنمودهای آتا تورک و اعتقاد به حکومت لائیک باعث نا را حتی مسئولان رژیم ایران شد و در پاسخ اظهارات سفیر کبیر، مقامات رژیم تهران گفتند: ما در امور داخلی ترکیه نمی خواهم دخالتی بکنیم ولی حساسیت مقامات ترکیه به موضوع حکومت لائیک و رهنمودهای آتا تورک قابل تحمل نیست.

روزنا مه حریت - ۱۳ ژانویه ۸۷

شب نامه

بقیه از صفحه ۱

بر اساس گزارشی دیگری از افغان، در هفته گذشته عده دیگری از مسئولان رژیم در رابطه با حسنعلی منتظری دستگیرند و پس از بازجوئی آزاد گردیدند.

سخنمات باره ای از دستگیرندگان از این قرار است:

- حسن با بنده سرپرست بنیاد شهید نجف آباد.
- محمدبا بنده
- عباس قربانی معاون سیا دیاران
- تاهین شهر
- سید رسول فانی حاکم سرخ شهرستان فریدن
- خسرو حاجی عمودا برده، تبلیغات سیا

دا رندا این رهبر جمعیت ترین کشور عربی را برصد کنفرانس قرار دهند.

حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه نیز در کنفرانس شرکت خواهد کرد. وی پیش از آغاز کنفرانس از حفظ تمامیت ارضی عراق و دیگر کشورهای نفت خیز خلیج فارس دفاع کرده است.

در میان رهبران کشورهای غایب مهمتر

از همه با پیدا زسلطان حسن دوم پادشاه مراکش و رئیس پیشین کنفرانس و سرهنگ قذافی نام برد. مسئله حمله قذافی به چاد در کنفرانس اسلامی مطرح خواهد شد.

خبرگزار ریها - ۲۶ ژانویه ۸۷

درخواست اشتراك

بهای اشتراك يك ساله ۲۲۰ فرانك فرانسه -

شش ماه ۱۱۰ فرانك فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین)

نام خانوادگی :

Nom

Prénom

Adresse:

- ما یلم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به مدت شش ماه مبلغ فرانسه به حساب بانکی نشریه به حساب پستی نشریه حواله شد.

قبض رسید به ضمیمه ارسال می گردد.

تاریخ امضاء

شماره حساب پستی :

QYAM IRAN
C.C.P No: 2400118/E
PARIS

شماره حساب بانکی :

QYAM IRAN
Crédit du Nord
78, Rue de la Tour
75116 Paris
Compte No: 11624700200

توجه لازم

تعداد ارد تقاضاهای اشتراك را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نام و نام خانوادگی که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

گزارش محرمانه

از سیستان و بلوچستان

بقیه از صفحه ۳

شیعه و سنی و فشا رواختناقی که رژیم حاکم کرده و موجب نفاق در میان جوانان شده و نیروهای متخصص را از آن منطقه فرار داده و محرومیت و ویرانی استان را فراهم کرده هیچ امتیازی دیگری جمهوری اسلامی برای این منطقه به بار نیاورده است.

دیگر تداخل گروهی و مشا رکت عمومی گذشته در منطقه وجود ندا رد. شیعه به چشم نفرت به هموطن سنی خود نگاه می کند.

امکانات رفاهی و بهداشتی به صفر رسیده است. همه اینها به دلیل آنست که خوندها کوشیده اند سطح فرهنگ عمومی را با بین نگهدارند. رژیم خیال می کند که با گرفتن اعترافات آن هم به ضرب زور و فشا را ز مولوی نظر محمد دیگسا، روحانی اهل سنت، موفق میشود که مسائل را حل و فصل کند. حال آنکه اعترافاتی که در سند تحقیقاتی نخست وزیر دربارها بین استان فرا هم شده است، نشان میدهد آنست که مسائل مشکلات این استان محروم تنها به این شیوه ها حل نخواهد شد، بلکه برداشتنها و نقرتها بیشتر از همیشه خواهد افزود.

برنامه تلویزیونی زاهدان، زمین را برای درگیریهای تازه تری آماده کرده است.

۲۶ دیماه ۱۳۶۵

بقیه از صفحه ۱

جنگ ایران و عراق یکی از آن با زیبهای عجیب دوره کنونی بشمار می آید. این جنگ، اسما "جنگ ایران و عراق استولوی در واقع جنگ هفتاد و دو ملت است. آنچه درین جنگ مستقیما "و منحصرا" به ایران و عراق مربوط میشود تلفات و خسارات جنگ است، زمین که بگذرد اکثر کشورهای جهان درین جنگ دستی دارند و آن به نحوی استفاده می برند.

تا وقتی قضیه "ایران گیت" پیش نیامده بود کمتر کسی میدانست که اسرائیل چه نقش عجیبی در جنگ ایران و عراق بازی میکند. در اوایل جنگ، وقتی یک هواپیمای آرژانتینی که برای جمهوری اسلامی اسلحه می برد در مرزهای ایران و شوروی راه را گم کرد راه را به راه و بستند و بهرحال مجبور شد در خاک همسایه فرود آید، برای نخستین بار بریده زروی ارتباط پنهان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل بکنار رفت. بعد از آن، با زموارد دیگری پیش آمد که قابل برده پوشی نبود و بالاخره ژنرال شارون وزیر سابق دفاع اسرائیل در سفری به آمریکا ضمن گفت و گویا روزنامه نگاران آمریکا بی به صدور اسلحه و قطعات یدکی از اسرائیل برای رژیم آیت الله اقرار کرد.

اظهارات ژنرال شارون را بعدا "تعدادی دیگر از شخصیت های نظامی و سیاسی اسرائیل تکرار و تائید کردند و آنها همگی می گفتند اسرائیل فقط در دوره محدودی، در اوایل جنگ ایران و عراق، با اطلاع و موافقت دولت آمریکا به جمهوری اسلامی اسلحه فروخته و پس از آن دیگر چنین معاملاتی انجام نگرفته است. البته این خبرها را جمهوری اسلامی بکلی تکذیب میکرد. آیت الله خمینی میگفت: "اسرائیل چه قابل آدم باشد که ما از او اسلحه بخریم." رئیس جمهوری و رئیس مجلس شورای اسلامی و همقطاران دیگرشان نیز بی تاء کید ادعا می کردند که این هسا تمام ساخته و پرداخته دستگاه تبلیغاتی شیطان بزرگ و استکبار جهانی بمنظور بی اعتبار کردن جمهوری اسلامی است.

بقیه از صفحه ۱

شکست مذاکرات

علی آهنی مدیرکل آمریکا و اروپای وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در کنفرانس مطبوعاتی روز ۲۱ ژانویه خود درحالی که سعی می کرد ملاقات خسودرا با شیراک مهم جلوه دهد اعلام کرد که ظهر روز ۲۱ ژانویه به مدت نزدیک به یک ساعت با نخست وزیر فرانسه دیدار کرد و پیام میرحسین موسوی را به وی تسلیم داشت. وی دیدار خود را با شیراک "جالسب" توصیف کرد و افزود: نخست وزیر فرانسه دربارها حل مشکلات بین دو کشور را میدواری بود.

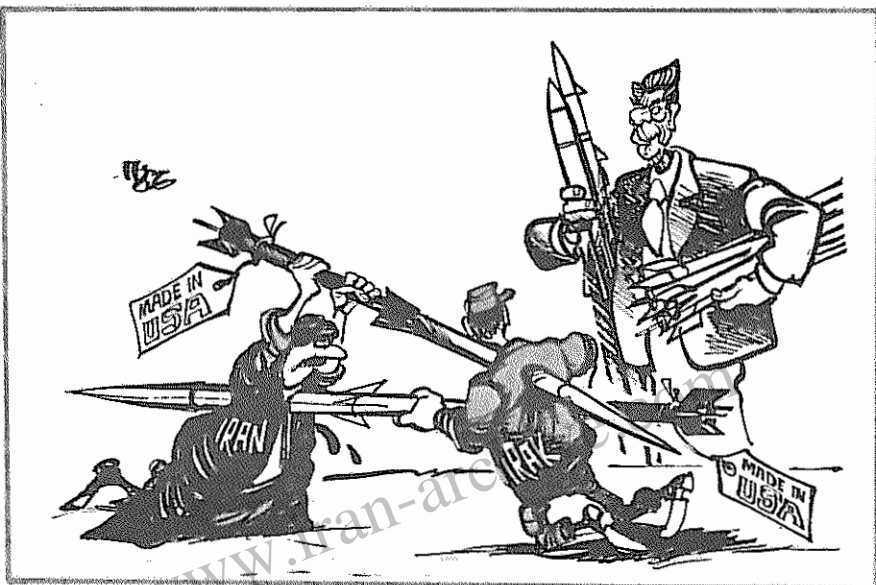
در همین حال، کاخ نخست وزیر فرانسه تنها به اعلام این موضوع اکتفا کرد که آهنی پیام میرحسین موسوی را به ژاک شیراک تسلیم کرده است. خبرگزاری فرانسه در این زمینه نوشت: به نظر می رسد که علی آهنی فرستاده جمهوری اسلامی، همان طور که تقاضا کرده بود سرانجام با ژاک شیراک دیدار نکرد. اما کاخ نخست وزیر فرانسه تا بعد از ظهر روز ۲۱ ژانویه حاضر نمی شد حتی خبر دیدار این دو و ساعت آن را اعلام کند.

مدیرکل آمریکا و اروپای وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی که به مدد یک

بازی عجیب قرن!

در اوایل سال ۱۹۸۵ با ردیگرگزارشهایی انتشار یافت حاکی از این که اسرائیل همچنان به معاملات اسلحه با جمهوری اسلامی ادامه می دهد. این گزارشها که معمولا "براشترقا بت های سیاسی یا اقتصادی بین کشورهای شرکت های ذینفع به مطبوعات بین المللی درز می کنند" در کشورهای اروپایی را برانگیخت چون در همان زمان

دستیاری تعدادی از نزدیکان آیت الله خمینی کارگردانی میکرده است. بازی را اسرائیل به این صورت اداره میکند که زیکطرف به آیت الله خمینی میفهمانید شرط لازم در پیروزی او بر عراق دستیابی به قطعات یدکی و سلاحهای مدرن آمریکائی است و از طرف دیگر به آمریکا ثنیه تفهیم میکرده که فقط با استفاده از چنین موقعیتی است که میتواند آیت الله عنود را زخشیطان پائین بیاورد و



آمریکا ثنیه در مذاکره با متحدان اروپایی خود آنها را از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی برحذر می داشتند و می گفتند حساسیت اوضاع در خلیج فارس ایجاب می کند از توسعه جنگ ایران و عراق جلوگیری شود و این امر مستلزم محدودیت صدور اسلحه به جمهوری اسلامی است. سئوال این بود که خوب، اگر واقعا "آمریکا خطری در تسلیح جمهوری اسلامی احساس میکند چرا جلوی اسرائیل را نمی گیرد؟" افتای قضیه "ایران گیت" این معمارا حل کرد و معلوم شد اینها همه اجزاء یک بازی بزرگ بوده که آن را اسرائیل با

عهدی را که برایش پذیرفتن شاه به آمریکا و متعاقبا "اشغال سفارت آمریکا در تهران گسسته شده است و با ره برقرار سازند. اسراری که بعدا زواقع "ایران گیت" افشاء شده است نشان میداد که این بازی چه ماهرانه طرح شده بود و چه استادانه اجراء می شد. هفته گذشته روزنامه اسرائیلی "دادار" ارگان سندیکیای کارگری وابسته بحزب کار اسرائیل فاش کرد که در اوایل سال ۱۹۸۶ هاشمی رفسنجانی بطورکاملا محرمانه بلندن رفته و با "دیوید کیمش" و "یعقوب نمرودی" و همچنین "رابرت

مک فارلین" گفت و گو کرده است. بی شک، حساسیت و اهمیت مسأله ارتباط با آمریکا چنین سفری را بیجا میکرده است زیرا آمریکا بی شک قبلا از آنکه مطمئن شوند آیت الله خمینی شخصا طرف معامله با آنهاست و ارداین بازی ظریف و حساس نمی شدند و آیت الله خمینی هم نمی توانست کسی را جز رفسنجانی و اسطه ارتباط مستقیم با آمریکا قرار دهد.

تمام این ماجراها در شرایطی انجام می گرفت که بسیاری از دولتمردان جمهوری اسلامی در عوامل دیگری سیر می کردند و حتی فقیه عالیقدر شاعر مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل را جودی می گرفت و هر بار گروهی را بحضور می پذیرفت، ضمن "رهنمود" هایش، راه رضای خدا چندتا لیچا رهم برای آمریکا و اسرائیل مایه می گذاشت. همچنان که در طرف دیگر معرکه بعضی از مخالفان آیت الله برای مبارزه با رژیم و سرنگون کردن آن چشم میداشتن منحصرا "به آمریکا و در درجه دوم به اسرائیل دوخته شده بود!

تا زه در جریان این بازی بزرگ، هیچ معلوم نبود دوستان آمریکا بی واسطی با خود آیت الله چه قدر مادی القولند. گزارشی که آن هم هفته گذشته در مطبوعات آمریکا انتشار یافت نشان می دهد که آمریکا بی واسطه عکسهای ماهواره ای، هم به ایران و هم به عراق اطلاعات میدادند منتهی اطلاعات معمول و گمراه کننده!

و با مزه تر اینکه اکنون، بر اثر فشارهای اسرائیل "ایران گیت" و رسواییهایی که بدنبال آورده است، اسرائیلی هسا می گویند ما نفعی در این قضیه نداشتیم، فقط برای آنکه بدوستان آمریکا بی خود کمکی کرده باشیم و شیم حاضر شدیم نقش واسطه را ایفاء کنیم. اسرائیلی هسا می گویند طراحی و مبتکر و صحنه گردان این بازی اسرائیلی هسا بودند و آنها روی دست ما گذاشتند که وارد معرکه شویم!

کدام راست می گویند؟ این را من نمی دانم اما اگر بپرسید کدا مشان دروغ میگویند یا سخ میدهم: هر دو!

از سوی دیگر وزیر امور خارجه فرانسه در روز ۲۱ ژانویه در مصاحبه ای با تلویزیون کانال ۲ فرانسه درحالی که علی آهنی هنودر فرانسه بود، گفت: فرانسه از جمهوری اسلامی انتظار داشت بیشتر دارد. وی افزود: هنگام آزاد شدن "ورل کورن" ما منتظر آزادی تعداد بیشتری از زکروگانها بودیم بخصوص که پرونده کاملی در اختیار داشتیم.

وزیر امور خارجه فرانسه گفت: مذاکرات با فرستاده جمهوری اسلامی جنبه کلی داشت. وی اضافه کرد: درست است که ما به ایران بدهکاریم، ولی شرکت های فرانسوی نیز از جمهوری اسلامی خسارات زیادی طلب کردند. نخستین قسط ۳۵ میلیون دلاری که ما به جمهوری اسلامی دادیم نشان حسن نیت ما بود. ولی فعلا در نظر نیست که بقیه این بدهی به جمهوری اسلامی پرداخت شود.

مطبوعات و خبرگزاری فرانسه - ۲۲ ژانویه

مترجم سخن می گفت، روز ۲۱ ژانویه بار دیگر به شرط جمهوری اسلامی را برای عادی شدن روابط با فرانسه تکرار نکرد و افزود: چنانچه فرانسه این سه شرط را بپذیرد، جمهوری اسلامی میتواند فرانسرا در مورد مسئله گروگانها بیشتر کمک کند. درحالی که این سخنان آشکارا دست داشتن جمهوری اسلامی را در گروگان گیری های لبنان تائید می کند، آهنی اضافه کرد مسئله گروگانها در دست جمهوری اسلامی نیست و دولت فرانسه نیز این را میداند، ولی همچنان آگاه است که ما بر بعضی گروه ها در لبنان نفوذ داریم به همین دلیل از ما درخواست پاردمیانی کرده است. سه شرط جمهوری اسلامی که روز ۲۱ ژانویه با ردیگر تکرار شد، عبارتند از:

- ۱ - مسئله بوزیسیون ایران نیان در فرانسه و امکاناتی که دولت فرانسه در اختیار آنها قرار داده است.
- ۲ - بازپرداخت اصل و بهره وام میک

ایران هرگز نخواهد مرد

نشانی: QYAM IRAN C/O C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE